

نبرد خلق

کارگران همه کشورها
متحد شوید

گرامی باد خاطره فدایی شهید
رفیق حمید اشرف و ۹ رزمنده
فدایی دیگر که در ۸ تیر ۱۳۵۵
در نبرد با مزدوران ساواک شاه
به شهادت رسیدند.

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

آمریکا کانادا ۱ دلار. آلمان ۲ مارک. فرانسه ۷ فرانک
NABARD - E - KHALGH No 182. 22 July 2000

شماره ۱۸۲ دوره چهارم سال شانزدهم - اول مرداد ۱۳۷۹
\$ 1 . 2 DM . 7 Fr

قیام دانشجویان و جوانان در تهران

برافراشته باد پرچم مبارزه ترقیخواهانه و ضد ارتجاعی مردم ایران

مرگ بر رژیم آخوندی - آزادی اندیشه با ریش و پشم نمی شه

قیام قهرمانانه زنان اسلامشهر، مردم پیرانشهر و آبادان

بیانیه اجلاس شورای ملی مقاومت

پیرامون تحولات سیاسی کشور

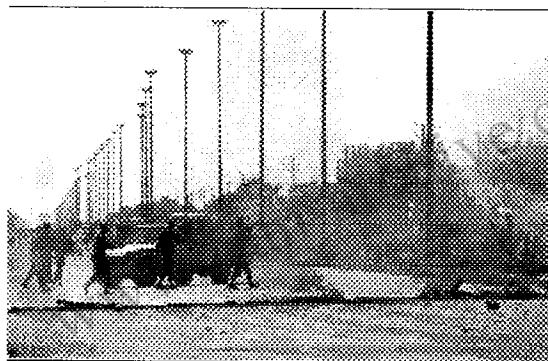
در صفحه ۸

یادداشت سیاسی

- مهدی سامع

روز ۱۹ تیر ماد. یک روز پس از قیام دهها هزار نفر از دانشجویان و مردم تهران و در شرایطی که مردم در اسلامشهر، پیرانشهر و آبادان فریاد «مرگ بر رژیم آخوندی» سر داده بودند، سید علی خامنه ای سران رژیم را به بیت خود فرا خواند و طی سخنانی نسبت به خطرهای مهمی که ولایتش را تهدید می کند، هشدار داد. خامنه ای ضمن لاف زدن در مورد این که حاضر است «جان و آبروی خود را در راه اسلام و نظام» فدا کند بر روی چند نکته تاکید کرد. خامنه ای گفت که ولایتش به سرنوشت حکومت اتحاد شوروی سابق دچار نخواهد شد. زیرا: بر خلاف آخرین رئیس جمهور شوروی سابق، رئیس جمهوری ایران سیدی شریف، دلباخته اسلام و انقلاب و مرید امام و با تمام وجود معتقد به نظام اسلامی است. وی بر ریختن توهم رسانه های غربی در مورد خاتمی اشاره کرد و ادامه داد که عده بی از غربیها که در خوابهای خوش خود او را جور دیگر تحلیل می کردند، اکنون می گویند که آقای خاتمی نیز مثل بقیه مسئولان نظام اسلامی جز، اصول گرایان است. که اتفاقا در این مورد درست می گویند. خامنه ای همچنین اعلام نمود که «باید مفهوم اصلاحات، تعریف و تفسیر شود تا هر کس نتواند به میل خود اصلاحات را تبلیغ کند. هسته اصلی سخنان خامنه ای در همین چند جمله که ذکر شد نهفته است و بقیه حرفهای او لاف زنی، وراچی و تعارفهای بی مایه که هیچ کودکی را نیز نمی تواند گول بزند بود. در این جا این سؤال مطرح می شود که آیا این سخنان بر اساس آنچه طرفداران ذوب در ولایت خامنه ای مدعی هستند، رهنمودی عملی برای کنترل بحران درونی رژیم است؟ و آیا حرفهای خاتمی در همین جلسه مبنی بر این که برنامه های دولت در چارچوب سیاستهای کلی رهبری نظام است به معنی این است که تضاد بین باند های تشکیل دهنده ولایت خامنه ای تخفیف پیدا کرده و رژیم به یک انسجام نسبی دست خواهد یافت؟ و بالاخره این که آیا سخنان خامنه ای یک رهبر یا کفایت است و دارای خصلت تعرضی است یا این سخنان و نتایج بعدی آن همچون گذشته حرفهای میان تهی کسی است که در موضع ولی فقیه، قادر نیست هژمونی اش را بر تمامی جناحها و باندهای درونی ولایتش اعمال کند؟

بقیه در صفحه ۲



قیام دانشجویان و مردم تهران

امروز دهها هزار نفر از دانشجویان و جوانان تهران به مناسبت سالگرد حمله وحشیانه نیروهای سرکوبگر رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه به کوی دانشگاه، تظاهرات بزرگی در مقابل دانشگاه تهران برگزار کردند. زنان و مردان آزاده با شعارهای «مرگ بر خامنه ای»، «درد بر ضد ولایت فقیه»، «خاتمی، خاتمی این آخرین اخطار است»، «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، «دانشجو، کارگر، اتحاد، اتحاد»، «توپ، تانک، بسیجی، دیگر اثر ندارد»، «آزادی اندیشه با ریش و پشم نمیشه و... تنفر و انزجار خود را از رژیم استبدادی و مذهبی حاکم بر ایران ابراز داشتند.

این تظاهرات بزرگ و حماسی در شرایطی برگزار شد که نیروهای سرکوبگر رژیم طی روزهای گذشته یک حکومت نظامی اعلام نشده در تهران برقرار کرده و دارد دسته «دفتر تحکیم وحدت» از بیاند خاتمی برای اعلام سرسپردگی خود به ولایت خامنه ای، هرگونه تظاهرات را تحریم کرده بودند. نیروهای سرکوبگر رژیم همراه با جماعتداران انصار حزب الله با حمله به تظاهرکنندگان صد ها نفر را زخمی و دستگیر کردند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با درود به زنان و مردانی که امروز تحت شرایط حکومت نظامی اعلام نشده حماسه آفریدند. و ضمن محکوم نمودن سرکوب این تظاهرات خواستار آن است که کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، نهادها و سازمانهای مدافع حقوق بشر برای آزادی زندانیان سیاسی و آزادی تمامی کسانی که امروز و روزهای قبل دستگیر شده اند، به رژیم ایران فشار جدی وارد کنند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
شنبه ۱۸ تیر ۱۳۷۹

یادداشت و گزارش

صفحه ۱۰

جنبش کارگری

گسترش می یابد

صفحه ۲

ادبیات ایران در هزاره دوم

صفحه ۱۲

اخبار کارگری

صفحه ۳

نگاهی به گذشته

قرن بیستم

صفحه ۱۳

زنان و مسیر رهایی

صفحه ۶

آنان که با مردمند پویاترند

صفحه ۱۴

۱۱ ژوئیه روز

جهانی کنترل جمعیت

آموزش زنان و نقش آن

در کنترل جمعیت

صفحه ۱۶

در صفحه ۷

سرتگون باد رژیم استبدادی-مذهبی ولایت فقیه با تمام دسته بندیهای درونی آن

هرچه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی

یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۱

اگر حرفهای خامنه ای می توانست رهنمود عملی برای کنترل تضادهای درونی رژیم باشد، نباید پس از این سخنان از هر گوشه رژیم نغمه ای ناهماهنگ با حرفهای او به صدا درمی آمد. روزنامه بهار که بیان کننده نظرات خاتمی است در شماره ۲۱ تیر خود می نویسد: باید توجه داشته باشیم که یکی از دلایلی که موجب فروپاشی شوروی شد این بود که اصلاحات ضروری آن قدر به تأخیر افتاد که پس از شروع چون نوشداری پس از مرگ سهراب عمل کرد... اصلاحات زمانی می تواند شکاف میان مردم و حکومت را پر کرده و میان آنها رابطه بی اندام وار برقرار کند که فرصتها از دست نرفته باشد. تحولات بین المللی و تحولات درونی جامعه ایران امروز آنقدر سریع است که فرصتها چون یخ قرار گرفته در آفتاب تابستان از میان می روند. تأخیر در ایجاد اصلاحات اساسی و همه جانبه در کشور، فروپاشی را بدون دخالت قدرتهای خارجی تحقق خواهد بخشید.

این مقاله در حقیقت جوابی به خامنه ای که بر طبل میان تپی قدرقدرتی خود در سخنان روز ۱۹ تیر کوبیده بود می باشد. همچنین سرمقاله روز ۳۰ تیر روزنامه رسالت، که بر موضع انتقادی نسبت به خاتمی و انتخاب «برتر» و اصلاح در انتخابات ریاست جمهوری آینده تأکید کرده است، نشان می دهد که گر چه خامنه ای به درستی گفته است که خاتمی سیدی شریف، دلباخته اسلام و انقلاب و مرید امام و با تمام وجود معتقد به نظام اسلامی است. ولی هم زمان برای حذف او مشغول نقشه کشی است. زیرا خاتمی با تمام اوصاف درستی که خامنه ای از او کرده، نماینده جریانی است که می خواهد به طور قانونمند و پایدار، در قدرت مشارکت داشته باشد و این هرگز با ماهیت ولایت فقیه و نیروی پشتیبان آن یعنی بازار سنتی همسازی ندارد. بنا بر این بسیار ساده اندیشانه است اگر فکر کنیم

که حرفهای خامنه ای می تواند تضادها و کشمکشهای درونی ولایتش را کنترل کند. هر چقدر که خامنه ای بر قدرقدرتی خود تأکید کند و به هر میزانی که خاتمی و دیگر سرکردگان جنبه دوم خرداد در مقابل ولی فقیه کرنش کنند. در این حقیقت هیچ تغییری حاصل نمی شود که تضاد آشفتگی ناپذیر بین مردم و حکومتی به آن درجه از شدت و وحدت رسیده که دسته بندیها و باندهای درونی ولایت خامنه ای را عملاً از هم جدا کرده و تضادهای بین آنها را تشدید خواهد کرد. وقتی روزنامه بهار مسأله «فروپاشی» بدون دخالت قدرتهای خارجی را مطرح می کند، همین وضع بحرانی ولایت خامنه ای را ترسیم کرده است. و بالاخره آن که اگر خامنه ای قادر بود بر بحران درونی ولایتش غلبه کرده و همزبونی خود را بر تمامی جناحها و باندهای تشکیل دهنده نظام تأمین کند. احتیاج به این نداشت که پس از هر بحران حاد و پس آن که مردم تنفر و انزجار خود را از ولایت او اعلام می کنند. خاتمی را فرا خواند و ضمن تعریف از او به مثابه یک معتقد به نظام در خفا علیه او توطئه کند. این شکل کار خامنه ای نشان دهنده موضع تدافعی او در مقابل رویدادهاست و این موضع تدافعی نیز نه به خاطر چک و چانه زدن در بالا، بلکه به خاطر جنبش نیرومندی است که دیگر نه خامنه ای و نه هیچ یک از باندها و دسته بندیهای ولایت او نمی توانند این جنبش را از راه مبارزه برای دموکراسی، عدالت و حکومتی غیر مذهبی (عرفی) باز دارد. خامنه ای و خاتمی و رفسنجانی و تمامی باندها و دسته بندیهای درونی نظام استبدادی و مذهبی حاکم می کوشند تا مبارزه مردم را با سرکوب کرده و یا با محدود کردن آن در چارچوب نظرات باندها و دسته بندیهای درونی نظام منحرف و سرانجام با فرسوده کردن مردم به نظام ننگین خود عمر بیشتری ببخشند. اهمیت جنبشهای زادیکال مردمی و عملیات نظامی در داخل کشور و نقش برجسته آن در این است که این خوابهای پنبه دانه ای را نقش بر آب می کند.

عملیات بزرگ قیام تهران

ساعت ۹ و نیم بعد از ظهر ۲۵ تیر ۱۳۷۹ مقرر اصلی وزارت اطلاعات، مرکز جاسوسی و آدمکشی رژیم آخوندی، توسط واحدهای عملیاتی مجاهدین، با شلیک ۲۰ خمپاره ۸۲ میلیمتری (به نشانه بیستمین سال مقاومت در برابر رژیم آخوندی غاصب حق حاکمیت ملت ایران) در هم کوبیده شد. ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور طی یک اطلاعیه اعلام کرد که «این عملیات قهرمانانه در پاسخ به سرکوب قیام قهرمانانه ۵۰ هزار تن از مردم در تهران در شنبه گذشته (۱۸ تیر ۷۹) انجام شد و در اثر آن شماری از شکنجه گران، دژخیمان و تروریستهای رژیم آخوندی به هلاکت رسیدند و بخشهای زیادی از این وزارتخانه منهدم شد. در این قیام مردم با شعارهای مرگ بر رژیم آخوندی، خاتمی این آخرین اخطار است. ارتش آزادیبخش آماده قیام شدند. طی دو هفته گذشته رژیم آخوندی با قساوت تمام علاوه بر قیام تهران، قیام مردم شهرهای آبادان، پیرانشهر، اسلام شهر و کهنوج را به خاک و خون کشید».

در ادامه این اطلاعیه آمده است که: «وزارت اطلاعات علاوه بر شکنجه و اعدام صدها هزار زندانی مجاهد و مبارز، طراح و مجری اصلی اقدامات تروریستی در خارج کشور از جمله ترور صدها تن از مخالفان و فعالان مقاومت در اروپا، ترکیه، پاکستان، عراق و سایر کشورها و هم چنین مسئول دهها قتل سیاسی در داخل ایران می باشد. وزارت اطلاعات مسئولیت اقدامات جنایتکارانه ای از قبیل به کار گرفتن کامیونهای انفجاری علیه اهداف خارجی و گروهانگیری و ترور روشنفکران و اتباع خارجی در کشورهای مختلف را به عهده دارد».

عملیات قیام آبادان

ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور در روز ۲۸ تیر طی اطلاعیه ای اعلام کرد که: «حوالی ساعت ۱۰ دیشب، ۲۷ تیر ماه ۱۳۷۹، واحدهای قهرمان عملیاتی مجاهدین، در پاسخ به سرکوب و حشیاانه قیام مردم آبادان، قرارگاه ضد کربلا (معروف به پادگان گلف) مرکز فرماندهی سپاه پاسداران در جنوب کشور و همچنین مقرر فرماندهی لشکر ۷ ضد ولی عصر سپاه را در اهواز

عملیات نظامی مجاهدین خلق در داخل کشور

خمپاره باران کردند. عملیات قیام آبادان با یاد مجاهد شهید محمود آگاه صورت گرفت که در ۲۳ خرداد ماه سال گذشته در ترمینال شهر آبادان، توسط یک مأمور وزارت اطلاعات از پشت سر هدف قرار گرفت و به شهادت رسید. عملیات بر روی قرارگاه ضد کربلا، در شرایطی انجام شد که در پی سرکوب قیام آبادان، به گزارش پرسنل نظامی هوادار مجاهدین، یک هیأت از سرکردگان سپاه به ریاست پاسدار رحیم صفوی، برای مهار کردن اوضاع و جلوگیری از قیام سایر شهرهای خوزستان، به محل آمده بودند.

در قیام قهرمانانه مردم آبادان که از صبح روز چهارشنبه ۱۵ تیر ماه آغاز شد، نیروهای سرکوبگر رژیم آخوندی، بی رحمانه به سوی مردم بی دفاع آتش گشودند و حداقل ۱۹ تن از مردم تشنه کام را به شهادت رساندند. شمار بیشتری را مجروح کردند و ۸۰۰ تن از جوانان شهر را هم دستگیر نمودند.

عملیات قیام پیرانشهر

ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور طی اطلاعیه ای اعلام کرد که: «حوالی ساعت ۲ بامداد امروز، سه شنبه ۲۸ تیر ماه ۱۳۷۹، واحدهای قهرمان عملیاتی مجاهدین، در پاسخ به سرکوب قیام مردم پیرانشهر در روزهای ۱۳ و ۱۴ تیر ماه، مقرر فرماندهی تیپ ۳۵، تیپ سرکوبگر مستقل تحت امر ولی فقیه در پادگان داربلوط در گیلانغرب را با موشکهای ۱۲۲ میلیمتری کاتیوشا در هم کوبیدند. در این عملیات بزرگ که طی آن مجاهدین برای نخستین بار موشکهای ۱۲۲ میلیمتری کاتیوشا را به کار گرفتند، شماری از سرکوبگران و مزدوران دشمن ضد بشری از پای در آمدند. این عملیات با نام مجاهد شهید اسماعیل سلطانی که در ۵ خرداد در جنوب قصر شیرین به شهادت رسید، صورت گرفت. مجاهد شهید اسماعیل سلطانی پدشمنه شب ۵ خرداد ۱۳۷۹، در جنوب قصر شیرین به شهادت رسید و روز بعد سرتیپ مسزود محمد محمودی، جانشین همهانگ کننده نیروی زمینی ارتش تحت امر ولی فقیه در رادیو و تلویزیون رژیم آخوندی با بزرگ نمایی و دروغ پردازی، اعلام کرد: یگانهای عملیاتی و اطلاعاتی واکنش سریع لشکر ۸۱ زرهی با حجم سنگین آتش تیمی از تکاوران ویژه، موفق شدند یکی از عناصر منافقین را به هلاکت برسانند.

اطلاعیه - جنبش کارگری گسترش می یابد

کارگران کارخانه کامراد در قم که در تحصن به سر می برند، دو روز است دست به اعتصاب غذا زده اند. اعتصاب تحصن و اعتصاب غذای این کارگران در شرایطی صورت می گیرد که حرکتی اعتراضی مردم علیه سیاستهای سرکوبگرانه رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه گسترش می یابد. حرکت اعتراضی و گسترده کارگران کنش ملی در ماه گذشته، قیام زنان اسلامشهر که در هفته گذشته صورت گرفت و حرکتی اعتراضی دانشجویان و جوانان نمونه هایی از این حرکتی گسترده است.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از خواسته های بر حق کارگران و از جنبش مردم ایران برای آزادی و برای برچیدن بساط ننگین ولایت فقیه و استقرار یک حکومت غیر مذهبی حمایت کرده و سیاستهای سرکوبگرانه رژیم علیه این جنبشها را محکوم می کند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از شورای امنیت ملل متحد، از کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، از نهادها و سازمانهای مدافع حقوق بشر می خواهد که به رژیم ایران برای توقف سیاستهای سرکوبگرانه در قبال مردم ایران فشار جدی وارد کنند.

ما از تمام ایرانیان در سراسر جهان می خواهیم که صدای حق طلبانه مردم ایران را به گوش جهانیان برسانند. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پدشمنه ۹ تیر ۱۳۷۹

اخبار کارگری -

کارخانه پوشاک زاهدان در آستانه تعطیلی

جمهوری اسلامی ۲۲ خرداد: کارخانه پوشاک زاهدان در آستانه تعطیلی قرار گرفت. این موضوع در جلسه کمیسیون امور بانوان استان سیستان و بلوچستان مطرح شد و رئیس کمیسیون در این رابطه گفت: با توجه به جمعیت جوان استان و تعداد بیکاران موجود اگر برای جلوگیری از تعطیلی این گونه کارخانجات چاره اندیشی نشود دچار مشکل خواهیم شد. کارخانه پوشاک زاهدان در حال حاضر دارای ۷۰ نفر پرسنل و حدود ۲۰۰ دستگاه چرخ خیاطی می باشد که ۴۸ نفر از پرسنل آن را بانوان تشکیل می دهند. رئیس کمیسیون امور بانوان همچنین اعلام داشت: به منظور رفع ممنوعیت خروج البسه تولیدی این واحدها که از پارچه های خارجی استفاده می شود مقرر گردید در کمیسیون مبارزه با کالاهای قاچاق و ارز مشکل مطرح شود و تصمیمات لازم اتخاذ گردد. وی پیشنهاد کرد: پارچه هایی که به صورت قاچاق وارد استان و یا از استان خارج می شود در اختیار این کارخانه ها قرار گرفته تا به صورت البسه تولیدی به دیگر استانها صادر و ضمن ایجاد اشتغال بیشتر از تعطیلی آن جلوگیری شود. شایان ذکر است کارخانه پوشاک زاهدان از امکانات و فضاهای مناسبی برخوردار بوده که در صورت حل مشکلات آن در ۳ شیفت کاری می تواند حدود ۸۰۰ نفر را مشغول به کار نماید.

تنها ۹ درصد زنان استان قزوین شاغلند

همشهری ۲۴ خرداد: رئیس سازمان برنامه و بودجه قزوین گفت: آمار نشان می دهد که شکاف زیادی بین اشتغال زنان و مردان در کشور وجود دارد و این شکاف در استان قزوین شدیدتر است. به گزارش خبرنگار همشهری در قزوین امیر احمدی در جلسه کمیسیون بانوان افزود: سهم زنان در اشتغال کشور ۱۳ درصد و در استان قزوین ۹ درصد است در حالی که سهم مردان در کشور ۸۷ درصد و در قزوین ۹۱ درصد است. وی اظهار امیدواری کرد که در سال جاری با کمرنگ تر کردن عرف اجتماعی که عاملی بازدارنده در عدم اشتغال زنان محسوب می شود بتوانیم نقش آنها را در صحنه های اجتماعی و فرهنگی پر رنگ سازیم. وی خاطر نشان ساخت: زنان برای اشتغال باید به دنبال کسب اطلاعات باشند، آنها معمولاً از وجود اعتباراتی که برای اشتغال وجود دارد بی اطلاع هستند. احمدی به وجود منابع سرشار نیروی انسانی و امکانات طبیعی کشور به ویژه استان قزوین اشاره کرد و گفت: با توجه به این که علت عدم استفاده صحیح از این امکانات را نمی دانیم جوانان ما رنج بیکاری را متحمل می شوند.

انتقاد سازمان جهانی کار از عدم رعایت حقوق کارگران در کارگاههای کوچک ایران

جمهوری اسلامی ۲۵ خرداد: حسین کمالی که به عنوان نماینده ایران در هشتمین اجلاس سازمان جهانی کار شرکت کرده بود در گفتگو با خبرنگاری جمهوری اسلامی گفت: سازمان جهانی کار نگرانیهای خود را در مورد عدم رعایت حقوق کارگران در کارگاههای کوچک در کشورمان به هیأت ایرانی ابلاغ کرد. وی افزود: هیأت ایرانی شرکت کننده در این اجلاس پذیرفت تغییراتی را در این زمینه به وجود آورد. کمالی افزود: طرح "خروج کارگاههای کوچک از شمول قانون کار" که سال گذشته از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت. مخالف مقاله نامه های بین المللی است که ایران به آنها پیوسته است.

سازمان بین المللی کار پیمان بهبود حقوق زنان باردار را تصویب کرد

همشهری ۲۸ خرداد: سازمان بین المللی کار در پایان نشست دو هفته ای خود که با شرکت ۱۷۴ کشور و گروههایی از کارگران و کارفرمایان عضو در ژنو برگزار شد. پیمانی جهانی را با هدف بهبود حقوق زنان باردار و مادران شاغل، تصویب کرد. آلبرتولاماریک، وزیر کار آرژانتین، که ریاست کنفرانس را بر عهده داشت، گفت: اگر چه بیم آن می رفت که طرح یاد شده با مخالفت کارفرمایان رو به رو شود. اما در نهایت با ۳۰۴ رأی مثبت در برابر ۲۲ رأی منفی و ۱۱۶ رأی ممتنع به تصویب رسید. بر اساس پیمان جدید که نسخه بازبینی شده مصوبه سال ۱۹۵۲ سازمان بین المللی کار است. مرخصی زایمان زنان از ۱۲ هفته به ۱۴ هفته افزایش یافت. زنان طی این دوران دو سوم حقوق خود را دریافت می کنند. پیمان یاد شده همچنین زمانهای مورد نیاز برای مادران شاغل را جهت تغذیه کودکانشان با شیر مادر، تضمین می کند.

کارگران شرکت کابل البرز در خطر بیکاری

ایسنا ۲۹ خرداد: تعدادی از کارگران شرکت کابل البرز، در گفت و گو با خبرنگار اقتصادی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) در باره وضعیت این شرکت اظهار داشتند ناامنی شغلی بزرگترین مشکلی است که این روزها کارگران را تهدید می کند. زیرا بسیاری از کارخانه ها و شرکتها در کشور و حتی در استان قزوین، که در وضعیت مطلوبی بودند و تولیدات خوب هم داشتند، تعطیل شده و تمامی کارگران آن بیکار شدند. در حال

حاضر نیز زرمه هایی در باره ی انحلال شرکت کابل البرز نیز وجود دارد. این کارگران همچنین تاکید کردند که در اکثر شرکتها و کارخانه ها مدیران بر اساس شایسته سالاری به کار گمارده نشده اند و اکثر افراد بر اساس رابطه سالاری کار می کنند و نفوذهای زیادی در بخشهای مختلف شرکت دارند.

شرکت کابل البرز، ماهانه ۴۰۰ تا ۴۵۰ تن از انواع کابلهای فشار قوی، فشار ضعیف و کابلهای مخارباتی تولید می کند که در صورت تامین مواد اولیه این میزان تا سقف یک هزار تن قابل افزایش است.

اعتراض کارکنان بیمارستان امین صادقیه

جمهوری اسلامی ۵ تیر: کارکنان معترض بیمارستان و زایشگاه امین صادقیه که نزدیک دو ماه است از دریافت حقوق و مزایای خود محروم هستند، خواهان رسیدگی مسئولان ذیربط به وضعیت خود شدند. امیری نماینده ۷۵ تن از پرسنل شاغل در بخشهای مختلف این بیمارستان اختلاف شرکا و سهامداران را یکی از دلایل عدم پرداخت حقوق و مزایای کارکنان این مرکز درمانی عنوان کرد. یکی از پرسنل با سابقه بیمارستان نیز با اشاره به مشکلات فراوان کارکنان گفت: مدیریت بیمارستان در پاسخ به اعتراض کارکنان از ناتوانی در پرداخت حقوق و مزایای کارکنان سخن می راند. وی افزود: اگر واقعا این ادعا صحت دارد پس چرا این واحد را تعطیل و وضعیت کارکنان بلا تکلیف را روشن نمی کند. کارگر دیگری که در آسپزخانه بیمارستان اشتغال دارد گفت: سرپرست یک خانواده چهار نفره هستم و ماه گذشته مجبور شدم که کرایه خانه را از دیگران قرض کنم. پرسنل بیمارستان امین صادقیه در عین حال از عدم پرداخت وجوه مربوطه به مابه التفاوت اجرای طرح طبقه بندی مشاغل از سال ۱۳۷۵ تا کنون انتقاد کرده و اظهار داشتند: علیرغم وعده مدیریت بیمارستان که اظهار داشته بود تا اردیبهشت ماه سال جاری کلیه حقوق پرسنل پرداخت خواهد شد. این موضوع تاکنون عملی نشده است.

حادثه دلخوار ریزش کانال در خیابان ولی عصر

جمهوری اسلامی ۴ تیر: حفاری در تقاطع خیابانهای ولی عصر و زرتشت، سه نفر را به کام خود فرو برد که تلاش چند ساعته گروه امداد و نجات آتشفشانی نتیجه ای به همراه نداشته است. بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی این حادثه عصر روز شنبه هنگامی اتفاق افتاد که افراد مژبور در حاشیه چاه قرار داشتند و سستی زمین موجب فرو رفتن آنها شد. یکی از اهالی این منطقه اظهار داشت که سه ماه قبل نیز این کانال فرو ریخته بود که دور آن

را حصار کشیدند، اما با کمال تعجب مشاهده شد که دوباره در همین ناحیه اقدام به حفاری کردند. یکی از مأموران شهرداری محل نیز معتقد بود که نشستی آب ناشی از نهر خیابان ولی عصر موجب ریزش دیواره کانال شد و سه نفر را به کام خود برد. این حفاریها مربوط به شرکت آب و فاضلاب می باشد. گفته می شود اجساد دو نفر از سه تن از قربانیان حادثه از زیر آوار خارج شده است. اولین جسد ساعت ۴/۴۰ دقیقه بامداد روز یکشنبه (۹ ساعت پس از حادثه) به دنبال تلاش نیروهای آتشفشانی یک مهندس ۲۸ ساله به نام اسفندیار سرابی بود از زیر آوار خارج شد. دومین جسد که مربوط به یک مهندس جوان ۳۰ ساله به نام بهمن نیک بختیان بود نیز ساعت ۵/۴۵ دقیقه از زیر آوار خارج شد. حسین کریمی تکنیسین فوریتهای پزشکی اورژانس تهران بعد از معاینه اولین جسد گفت: متوفی در همان ابتدای حادثه دچار خفگی شده و فوت کرده است.

تعطیلی کارخانجات و بیکاری کارگران در یزد

همشهری ۱۹ تیر: استاندار یزد در جلسه شورای اداری استان گفت: بخش صنعت ۷۰ درصد ارزش صادرات استان را به خود اختصاص داده است و واحدهای نساجی ۲۵ درصد از واحدهای صنعتی استان را شامل می شوند و ۵۱ درصد اشتغال استان نیز مربوط به بخش نساجی است. به گزارش خبرنگار همشهری در یزد مهندس سفید در این جلسه که با حضور وزیر صنایع تشکیل شد. افزود با ۴۰۰ واحد کوچک و بزرگ نساجی استان تعداد زیادی فرسوده است و ۷ واحد به عنوان اولویت دار انتخاب شده اند که ارز تخصیصی فقط به ۳ واحد داده شده که به هیچ وجه پاسخگوی نیاز این صنعت نیست و اگر رسیدگی جدی نشود استان با بحران مواجه خواهد شد. وی اظهار داشت: حدود ۴۰ واحد صنعتی در حال تعطیل هستند و یا در آینده نزدیک تعطیل خواهند شد که با تعطیلی این واحدها ۲ هزار نفر کارگر بیکار می شوند و این در حالی است که هم اکنون ۵۰۰ نفر از کارگران واحدهای نساجی بیکار شده اند.

کارگران دو کارخانه در بروجرد بیکار شدند

روزنامه کیهان ۱۳ تیر: ۲ کارخانه قند حبه و جیجی نمکی بروجرد تعطیل شد. کارخانه قند حبه و کارخانه جیجی نمکی متعلق به سازمان تعاون روستایی شهرستان بروجرد تعطیل شد و کارکنان این دو واحد بیکار شدند. رئیس سازمان تعاون روستایی بروجرد علت تعطیلی کارخانه قند حبه را نبود الگوی مصرف قند حبه در استان و همچنین زیاندهی فراوان و پرسنل زیادی در این ۲ کارخانه اعلام داشت.

یک سال پس از قیام دانشجویان و جوانان

برافراشته باد پرچم مبارزه ترقیخواهانه و ضد ارتجاعی مردم ایران

یک سال از قیام دانشجویان و جوانان تهران و ۱۷ شهر بزرگ ایران می گذرد در بامداد روز جمعه ۱۷ تیر سال گذشته. نیروهای سرکوبگر ولایت خامنه ای با یورش به کوی دانشگاه تهران درصدد بودند تا ندای حق طلبانه دانشجویان را در گلویشان خفه کنند. اما نیروهای سرکوبگر رژیم خیلی زود دریافته اند که مبارزه ترقیخواهانه و ضد ارتجاعی زنان و مردان ایران زمین برای آزادی و عدالت دیگر خاموش شدنی نیست. دیری نیابید که جنبش دانشجویان با شعار لحظه به لحظه گوئیم. زیر شکنجه گوئیم. با مرگ یا آزادی. در سراسر کشور ادامه یافت.

قیام دانشجویان و جوانان تهران و ۱۷ شهر بزرگ ایران با شمارهای رادیکال و پیوستن مردم به آن مشت عوامفریبان جنبه دوم خرداد و شخص خاتمی را باز نمود و خاتمی که در این قیام چشم انداز سرنگونی رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه و تمامی دسته بندیهای آن را مشاهده کرد، یک بار دیگر سرسپردگی خود را به خامنه ای اعلام کرده و خود پرچمدار سرکوب دانشجویان و جوانان شد. هزاران دانشجو دستگیر و به شکنجه گاهها روانه شدند و تعدادی از آنان در بیدگاههای رژیم به زندانهای دراز مدت محکوم شدند. دستگاه قضایی ولایت خامنه ای با سرهم بندی کردن نمایش یک دادگاه تعدادی از عاملان حمله به کوی دانشگاه را محاکمه نمود و این در حالی است که عاملان اصلی حمله به کوی دانشگاه یعنی انصار حزب الله و آمران آن که در رأس آن شخص خامنه ای و اوان و انصار آن هستند. همچنان بر مسند قدرت سرکوبگرانه خود نشسته اند. بیهوده نبود که زنان و مردانی که در قیام سال گذشته حماسه آفریدند، فریاد می زدند انصار جنایت می کنند. رهبر حمایت می کند.

قیام دانشجویان و جوانان تهران و ۱۷ شهر بزرگ ایران نشان داد که زنان و مردان ایران زمین به خصوص جوانان کشور هرگز به دنبال این یا آن جناح رژیم نبوده و خواستار دموکراسی. و استقرار یک دولت عرفی. ترقیخواه. عدالت طلب و دموکراتیک هستند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در اولین سالگرد قیام دانشجویان. یاد زنان و مردانی که در این قیام به شهادت رسیدند را گرامی می دارد. به زندانیان سیاسی و به خصوص به دانشجویان و جوانانی که در شکنجه گاههای نظام اهریمنی ولایت فقیه مقاومت می کنند درود می فرستد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از تمامی ایرانیان خارج از کشور می خواهد که صدای حق طلبانه مردم و جوانان ایران را به گوش افکار عمومی بین المللی برسانند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از مجامع و نهادهای بین المللی مدافع حقوق بشر و شورای امنیت ملل متحد می خواهد که به رژیم ایران برای پذیرش یک هیأت تحقیق بین المللی برای معرفی ایران و عاملان حمله جنایتکارانه به کوی دانشگاه و نیز معرفی عاملان و آمران قتلهای زنجیره ای سیاسی فشار جدی وارد کنند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران چهارشنبه ۱۵ تیر ۱۳۷۹ - ۵ ژوئیه ۲۰۰۰

انتشار یک سند سپاه پاسداران

فرمانده جدید نیروی انتظامی کیست

سرتیپ پاسدار محمد باقر قالیباف یکی از گردانندگان عملیات تروریستی در خارج از ایران است.

روز ۸ تیر امسال و در آستانه اولین سالگرد قیام دانشجویان و جوانان ایران. خامنه ای سرتیپ پاسدار محمد باقر قالیباف را به فرماندهی نیروی انتظامی منصوب کرد. پاسدار قالیباف در سائهای قبل قائم مقام فرمانده سپاه پاسداران و یکی از مهره های اصلی در عملیات تروریستی برون مرزی بوده است. وی در تاریخ ۱۰ خرداد ۱۳۷۴ طی یک نامه از طرف سپاه پاسداران به فلاحیان. وزیر وقت اطلاعات خواستار ادامه همکاری وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی (واجبا) با سپاه قدس در عملیات برون مرزی شده است. سند اصلی و متن تایپ شده آن را در زیر ملاحظه می کنید.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
شنبه ۱۱ تیر ۱۳۷۹ - اول ژوئیه ۲۰۰۰

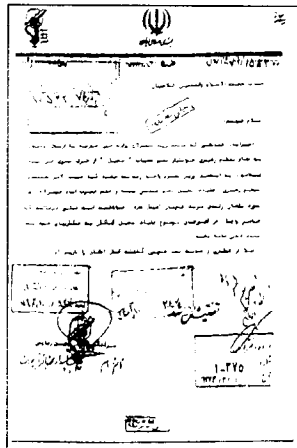
بسمه تعالی - آرم جمهوری اسلامی - آرم سپاه پاسداران
شماره ۵۷۸۷۷۱/۱/۵۸۲۰ - تاریخ ۱۰ خرداد ۱۳۷۵

خیلی محرمانه
جناب حجت الاسلام والمسلمین فلاحیان سلام علیکم

احتراما. همان طور که مستحضرید مسئولان وزارت امور خارجه با ارسال نامه ای به مقام معظم رهبری خواستار لغو عملیات سنجیل از طرف نیروی قدس سپاه شده اند. به استحضار وزیر محترم واجا رسانده می شود که حسب الامر مقام معظم رهبری. عملیات سنجیل لغو شدنی نیست و حکم حضرت امام خمینی (ره) در مورد سلمان رشدی مرتد همچنان اعتبار دارد. خواهشمند است دستور فرمائید که عناصر واجبا در کشورهای موضوع عملیات سنجیل کماکان به همکاریهای خود با ستاد قدس ادامه دهند.

قبلا از همکاری و عنایت شما همچون گذشته کمال امتنان را داریم. /

فرمانده کل سپاه
سرلشکر محسن رضایی
قائم مقام سرتیپ پاسدار محمد باقر قالیباف



اخبار زنان

حمیت زنان بی سواد

همشهری ۲۸ خرداد: در حساب حاضر از مجموع ۱۰ میلیون و ۷۱۳ هزار نفر بیسواد در سراسر کشور. شش میلیون و ۶۰۰ هزار نفر آنان زن هستند.

مخالفت با حقوق زنان

رادیو فرانسه ۴ تیر: آیت الله ناصر مکارم شیرازی یکی از رهبران مهم حوزه علمیه قم با تصویب اسناد کنفرانس سازمان ملل متحد در باره حقوق زنان مخالفت ورزید و آن را مخالف اسلام و حرام تشخیص داد. کنفرانس سازمان ملل متحد در باره حقوق زنان دو هفته پیش در نیویورک تشکیل شده بود و ۲۳۰۰ نماینده از کشورهای عضو سازمان ملل متحد از جمله ایران در آن شرکت داشتند. در مصوبات این کنفرانس در قیاس با کنفرانس حقوق زنان در پکن که در سال ۱۹۹۵ تشکیل شده بود. حقوق بیشتری برای زنان به رسمیت شناخته شد و نه آزادی بیشتر. دستاوردهای اساسی این کنفرانس ویژه سازمان ملل متحد که پکن + ۵ نامیده شد عبارتند از: حفاظت بیشتر از زنان در برابر خشونت چه در درون خانواده و چه در بیرون از آن. امکانات بهتر درمانی در همه مدت زندگی. آموزش بیشتر و امکانات بیشتر برای دستیابی به کار. آیت الله ناصر مکارم شیرازی در گفتگویی با مجله بنیادگرای یالثارات که امروز منتشر شد این تصمیمات را خلاف اسلام تشخیص داد و تاکید کرد که تصویب آن از سوی دولت ایران حرام است. لازم به یادآوری است که هیأت نمایندگی ایران این اسناد را تایید کرده ولی مراحل رسمی تصویب آن هنوز تایید نشده است.

اجرای سمفونی ۹ بتیون ممنوع شد

رادیو آزادی ۱ تیر: اجرای سمفونی ۹ بتیون در ایران ممنوع شد. ایران امسال برای نخستین بار رسماً به برگزار کنندگان جشن موسیقی در جهان می پیوندند که در روز چهاردهم ژوئیه برگزار می شود و مبتکر آن وزارت فرهنگ فرانسه در سال ۸۲ میلادی بوده است. موزمان چهارم سمفونی ۹ بتون در هر کشور برگزار کننده این جشن اجرا می شود. به گفته فریدون ناصری رئیس ارکستر سمفونیک تهران وجود صدای زن در این موزمان باعث ممنوعیت اجرای آن شده است.

رضایت نامه زنان

فاقد ارزش قانونی است

تلویزیون رژیم ۱۲ تیر: به گفته مشاور وزیر بهداشت به هنگام جراحی برگه رضایت نامه زنان سرپرست خانوار فاقد ارزش قانونی است. مشاور وزیر بهداشت. درمان و آموزش پزشکی در امور زنان افزود: برگه رضایت نامه زنان سرپرست خانوار حتی مواقع اضطراری هم برای عمل جراحی فرزندانشان فاقد ارزش قانونی است. این در حالی است که حدود ۱۵ درصد خانوارهای ایرانی از سوی زنان سرپرستی می شوند دکتر کیهانی در ادامه اناسی تریس مشکل بهداشتی زنان در سطح کشور را عدم مشارکت همسر در تنظیم خانواده و احترام به حقوق وی دانست و افزود تنها با آموزش گسترده و افزایش سطح فرهنگ عمومی می توان ایسر مستتر را برطرف کرد.

گل سرخ

— فریاد خرابزاده بر روی ویرانه ها ایستاده بود و به افق دوردست می نگریست. دستان از دو طرف آویزان. نمایانگر جستجویی کهنه بود. پاهایش سنگین شده بود و به سختی قدم بر می داشت. وی حالا دیگر از حرکت باز ایستاده بود. آیا غروب خواهد شد؟ از جستجو وامانده. همه چیز پشت سر ویرانه. هیچ دستگیره ای. هیچ کلوخی. هیچ هیچ برای کوبیدن باقی نمانده بود و این غروب خواهد شد؟ غروب خواهد شد رنگ آسمان همانند رنگ آب چرک آلود از شستن رختهای چرک شده بود کوهها در دوردست همانند هاله هایی کم رنگ شده بودند. لبه های را به سختی از هم می گشاید و به زحمت بی گویند: چرا غروب امروز مثل همیشه سرخ نیست؟ می پرسد و می پرسد وی جوابی دریافت نمی کند چرا وقتی از سرخی غروب پرسیده می شود. وهم جواب. خون را از حرکت باز می دارد؟ چرا؟ دهنهای فرسوده و پینه بسته از زحمت زندگی را با مشقت زیاد بالا می برد و دوباره می پرسد: هیچ جوابی؟ آخ. در آن بالا دنبال چه جوابی می گردی؟ در صورتی که می دانی. گل سرخ ریشه در خاک دارد. چرا منتظر بارانی هستی که روان در زیر پای گل سرخ شود. بیل را بردار و راه آب چشمه را برای گل سرخ باز کن. بگذار که سیر آب شود از این شراب آنستن شده از عشق و غنچه دهد. غنچه دهد. غنچه هایی سرخ...

قیامها و جنبشهای اجتماعی

در ماهی که گذشت علاوه بر دهها حرکت اجتماعی مردم، شاهد چهار حرکت بزرگ اجتماعی علیه رژیم حاکم بر ایران بودیم. جنبش زنان اسلامشهر، قیام دانشجویان و مردم تهران، قیام مردم پیرانشهر و آبادان، مضمون تمام این حرکتها مردمی، مبارزه علیه ارتجاع حاکم و برای تحقق خواسته های برحق مردم بوده است. به جز جنبش دانشجویان و جوانان تهران که از قبل پیش بینی می شد، سه حرکت بزرگ دیگر کاملا خصلت انفجاری داشت. انباشت تضادهای آشتی ناپذیر بین مردم و رژیم استبدادی مذهبی حاکم و سرکوب مبارزات مسالمت آمیز مردم سبب آن شده که حرکتهای مردمی با هر خواستی که شروع شود، به سرعت به مبارزه علیه کل رژیم تبدیل شود. گزارش مختصری از این حرکتهای مردمی به اطلاع خوانندگان نبرد خلق می رسانیم

جنبش دانشجویان و مردم تهران در سالگرد حمله وحشیانه به کوی دانشگاه تهران

روز ۱۸ تیر ماه امسال چندین هزار تن از دانشجویان و جوانان تهران در سالروز حمله وحشیانه نیروهای سرکوبگر رژیم به کوی دانشگاه در برابر دانشگاه تهران دست به یک تجمع اعتراضی زدند. دامنه این تجمع اعتراضی گسترش بی سابقه ای یافت و تا نیمه شب ادامه یافت. پیوستن مردم به دانشجویان با شعار دانشجوی، کارگر، اتحاد اتحاد، به این جنبش خصلت کاملا توده ای بخشید. این تظاهرات بزرگ در شرایطی صورت گرفت که تمامی باندهای تشکیل دهنده جنبه دوم خرداد، طی اصلاحیه های مختلفی از دانشجویان خواسته بودند که از هر گونه تظاهرات خودداری نمایند. جنبش دانشجویان، جوانان و مردم تهران که از ظهر روز ۱۸ تیر آغاز شده

بود، به درگیری شدید میان تظاهرکنندگان و نیروهای سرکوبگر رژیم منجر شد. خبرگزاری رویتر در گزارشی پیرامون این تظاهرات بزرگ اعلام کرد که: تظاهرکنندگان خواهان پایان یافتن حکومت آخوندی در ایران و انجام رفاندومی برای دموکراسی در ایران شدند.

روزنامه انتخاب در شماره روز ۱۹ تیر خود نوشت: تظاهرکنندگان شعار می دادند «خاتمی بی کفایت، این آخرین اخطار است. ارتش آزادیبخش آماده قیام است». روز بعد از این قیام بزرگ، خامنه ای سران رژیم را فرا خواند و پیرامون تنفر و انزجار مردم ایران نسبت به رژیم آخوندی به نیروهای روحیه باخته خود دلگرمی داد و گفت بنده نیز آماده ام جان و ابروی خود را برای حفظ اسلام و انقلاب و نظام فدا سازم. روزنامه کریستین ساینس مانیتور در شماره روز ۲۰ تیر ماه خود نوشت: نیروهای انتظامی به هزاران تن از دانشجویان و تظاهرکنندگان که شیشه های اتوبوسها و مغازه ها را می شکستند حمله کردند. به گفته یکی از شاهدان، تظاهرکنندگان شعارهای مرگ بر حکومت آخوندی می دادند.

مخصوصا نکته بی که جناح راست را دچار نگرانی می کند، حضور مردم عادی در این تظاهرات تعطیلات آخر این هفته و نقش آنها در درگیریهای مخرب بود. به گفته یکی از مقامات رسمی دولت، این مرحله بدی است که رفرمیستها و اصلاح طلبان در صد دوری و جلوگیری از آن بودند. یک روز بعد از جنبش بزرگ دانشجویان و مردم تهران مقاومت ایران فهرستی از اسامی ۱۱۲ تن از افرادی را که در جریان قیام روز و شب قبیل توسط نیروهای سرکوبگر رژیم آخوندی دستگیر شدند، برای دبیر کل، شورای امنیت و کمیسیون حقوق بشر ملل متحد و سایر مراجع زیربط بین المللی و سازمانهای مدافع حقوق بشر ارسال نمود و خواستار دخالت عاجل آنان برای نجات جان صدها تن از جوانان و دانشجویان از شکنجه گاههای رژیم شد

تظاهرات زنان در

اسلامشهر

روز ۷ تیر ماه امسال هزاران تن از زنان مستعدیده اسلامشهر در جنوب تهران در اعتراض به فقر، بیکاری و فقدان آب و برق و گاز به خیابانها ریخته و علیه رژیم شعار دادند. تظاهرات از منطقه شاه تره بین اسلامشهر و چادگانگ شروع شد و پس از پیوستن تعداد زیادی از زنان و مردان جوان به این تظاهرات نیروی انتظامی به آن حمله نمود که با مقاومت قهرمانانه مردم و به ویژه زنان روبرو شد.

تظاهرکنندگان با آتش زدن لاستیکها و ایجاد مانع راههای اصلی منطقه را مسدود کردند. نیروهای انتظامی که در مقابل با مردم به پا خاسته عاجز بودند درخواست نیروهای کمکی کردند و پس از آن یگانهای ویژه ضد شورش با تمام تجهیزات اقدام به یک حمله وحشیانه به تظاهرکنندگان نمودند. در جریان این یورش و وحشیانه شمار زیادی از زنان توسط نیروهای سرکوبگر رژیم دستگیر شدند. دبیرخانه شورای ملی مقاومت در اطلاعیه روز ۹ تیر ماه خود اعلام کرد که حداقل ۹ تن از دستگیر شدگان قیام اسلامشهر به زندان اوین منتقل شده اند.

تظاهرات گسترده مردم پیرانشهر

طی روزهای ۱۳ و ۱۴ تیر ماه امسال مردم پیرانشهر دست به یک سلسله تظاهرات علیه رژیم زدند. تظاهرات به دنبال کشته شدن یک کودک ۱۲ ساله به دست مزدوران رژیم شروع شد و مردم با شعارهای خود علیه رژیم آخوندی تنفر و انزجار خود را از رژیم نشان دادند. مردم با تهاجم به مراکز نیروهای سرکوبگر رژیم برای مدتی شهر را عملا آزاد کردند. نیروهای سرکوبگر محلی که قادر به مقابله با مردم خشمگین نبودند، درخواست نیروی کمکی نمودند. با ورود نیروهای سرکوبگر ضد شورش و شهر پیرانشهر و حمله وحشیانه این نیروها به مردم، تعدادی زیادی از مردم کشته، زخمی و دستگیر شدند. کودک ۱۲ ساله ای که به دست یکی از مزدوران رژیم به قتل رسید آکو نام داشت.

قیام مردم آبادان

طی روزهای چهارشنبه و پنجشنبه ۱۵ و ۱۶ تیر ماه، شهر آبادان شاهد یک قیام گسترده مردمی بود. جنبش گسترده مردم آبادان در روز ۱۵ تیر هنگامی که درجه حرارت هوا به ۵۲ درجه رسیده بود و شهر فاقد آب آشامیدنی بود شروع شد. مردم در مقابل فرمانداری اجتماع کرده و خواهان اقدام مؤثر از سوی مقامات محل شدند. اما فرماندار آبادان برای مقابله با حرکت اعتراضی مردم نیروهای انتظامی را فرا خواند مردم در واکنش به تهاجم نیروهای انتظامی با سنگ و چوب به کیوسکهای پلیس، ساختمانهای دولتی، بانکها و مراکز سرکوب رژیم حمله کردند. تظاهرکنندگان با آتش زدن لاستیک و با به آتش کشیدن خودروهای نیروهای انتظامی اقدام به مقابله با نیروهای سرکوبگر رژیم نمودند. مردم با شعارهای خود علیه سران رژیم تنفر و انزجار خود را نسبت به رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه اعلام می کردند. قیام گسترده مردم آبادان طی دو روز آن چنان گسترده و بی سابقه بود که رژیم مجبور شد به انعکاس آن بپردازد. دبیرخانه شورای ملی مقاومت در تاریخ ۱۷ تیر ماه اعلام نمود که در جریان قیام مردم آبادان حداقل ۱۹ تن از مردم کشته و صدها نفر دستگیر شدند. بعضی از روزنامه های دولتی مبادرت به درج اخبار کوتاه و مخدوش از قیام بزرگ مردم دلیر آبادان نمودند. روز ۱۷ تیر ماه مزدوران رژیم برای مقابله اجتماعی با این تظاهرات، اقدام به انجام یک تظاهرات مفتضحانه نمودند. این تظاهرات دولتی که تنها مزدوران رژیم در آن شرکت داشتند به شکلی مفتضحانه و با شکست کامل به پایان رسید.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پنجشنبه ۱۶ تیر ۱۳۷۹

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بنا بر اهداف خود خاسته و صدها نفر دستگیر شدند. بعضی از روزنامه های دولتی مبادرت به درج اخبار کوتاه و مخدوش از قیام بزرگ مردم دلیر آبادان نمودند. روز ۱۷ تیر ماه مزدوران رژیم برای مقابله اجتماعی با این تظاهرات، اقدام به انجام یک تظاهرات مفتضحانه نمودند. این تظاهرات دولتی که تنها مزدوران رژیم در آن شرکت داشتند به شکلی مفتضحانه و با شکست کامل به پایان رسید.

اطلاعیه

حکومت نظامی اعلام نشد در تهران

بر اساس گزارشهای دریافتی، نیروهای سرکوبگر ولایت خامنه ای از ترس جنبش دانشجویی و جوانان و در سالگرد قیام تیر ماه سال گذشته، در آماده باش کامل به سر می برند و در بسیاری از چهار راهها و گلوگاههای تهران نیروهای سرکوبگر خود را با تجهیزات کامل مستقر کرده اند.

بر اساس این گزارش در سید خندان، سه رودی، عشرت آباد، افسریه (۱۵ متری دوم)، پل ۱۷ شهریور، اطراف دانشگاه، میدان ولی عصر و در چند نقطه دیگر، تعداد زیادی از نیروهای انتظامی و بسیج با ماشین و موتور به صورت آماده باش مستقر شده و در موارد متعدد اقدام به بازرسی ماشینها می کنند.

آماده باش نیروهای سرکوبگر رژیم برای جلوگیری از برگزاری بزرگداشت خاطره قیام دانشجویان و جوانان نشان دهنده آگاهی رژیم به تنفر و انزجار عمومی از استبداد مذهبی حاکم مقابل سرکوبگری ارتجاع حاکم تسلیم نخواهند شد و این مبارزه تا سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و استقرار دموکراسی، عدالت و یک دولت غیر مذهبی ادامه خواهد یافت.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پنجشنبه ۱۶ تیر ۱۳۷۹

به مناسبت سفر خاتمی به آلمان

— آناهیتا، الف

خفاش شب پدیدار شد!

تا جاودانه سازد

نام هیتلر را

تا لگدمال کند گور آزادیخواه تاریخ را

دشمن به دستان آمدند

سگان درنده

پاسداران استعمار

تا خاموش کنند

فریاد را

ستاره را

تا بشکنند وحدت ماهی سرخ تبعیدی را

با ماهیان تشنه یک جرعه آب

تا پیمانها بسته شود

به رخم پریر شدن کیوتراهای سفید وطن

دشمن به دستان آمدند

سگان درنده

نازیهها

تا ویران کنند

دیوار ستاره های مقابلی آزادی را

که دبیرست به آن فخر می ورزند

اما خورشید حقیقت!

درخشانتر از آن است که خاموش شود

فریاد حقیقت رساست

تا البرد، تا دماوند

آری، فریاد حقیقت رساست تا ابدیت.

زنان و مسیر رهایی

لیلا

سنجش وضعیت مادران

برای اولین بار در جهان سه شنبه ۹ مه ۲۰۰۰

سازمان نجات کودکان که بزرگترین سازمان امداد کودکان جهان است. به مناسبت روز مادر در سال ۲۰۰۰ گزارشی پیرامون وضع زندگی مادران و کودکان در ۱۰۶ کشور جهان ارائه داده است. این گزارش توجه جهانیان را نسبت به رابطه بین وضع زندگی زنان دارای فرزند و کودکان جلب کرده است. آقای چارلز مک کوردن رئیس این سازمان می گوید: آن چه که ما از تحقیقاتمان دریافتیم مهر تایید بر تجربه ۷۰ ساله مان می گذارد که وضع زندگی مادران با وضع زندگی کودکان رابطه مستقیم دارد. او می گوید: تاکنون زندگی نسل آینده مستلزم آن است که دولت‌ها و سازمان‌های خصوصی و مردم اقدامی جدی در سطح جهانی برای تأمین زندگی زنان کنند.

یافته های مهم

اولین و مهمترین این یافته ها مربوط به سوادآموزی و تحصیل دانش برای زنان است که در نتیجه سطح زندگی مادران و کودکان را بالا برده است. دومین نتیجه آن است که با وجود بهتر شدن وضع زنان و کودکان در کشورهای ثروتمند، اما ثروت ملی تنها دلیل و عامل وضع زندگی بهتر برای زنان و کودکان نیست آن چه مهم است میزان کمک‌ها و برنامه های بهداشتی، تغذیه کودکان در آغاز زندگی و پرورش جسمی و فکری آنان می باشد.

برای مثال در یمن که کمتر از نیمی از کودکانی که متولد می شوند تحت نظر پزشک هستند. از هر ۱۰۰۰ کودک ۷۶ کودک در همان سال اول زندگی جان خود را از دست می دهند. اما در استرالیا که تقریباً همه کودکان تحت نظر پزشک قرار دارند از هر ۱۰۰۰ کودک، ۵ کودک جان خود را از دست می دهد. تغذیه مادران نیز اهمیت به سزایی دارد. برای مثال در آسیای جنوبی که ۶۰ درصد مادران گرسنه هستند ۵۰ درصد کودکان نیز از ضعف تغذیه مناسب رنج می برند. در

نروژ که کمترین امکان مرگ مادران در دوران بارداری وجود دارد یک نفر در ۷۳۰۰ نفر است و در نیجریه در هر ۹ مادر یک نفر هنگام زایمان می میرد.

تجاوز به زنان در

آفریقای جنوبی

شنبه ۳ ژوئن ۲۰۰۰

بنا بر گزارش پلیس آفریقای جنوبی سالیانه حدود ۵۰ هزار زن مود تجاوز قرار می گیرند. اما گروه‌های مدافع حقوق زنان معتقدند که تعداد واقعی ۳ برابر آمار پلیس است. آنها می گویند که اکثر زنان به پلیس مراجعه نمی کنند و به خاطر سنت‌های اجتماعی، محدودیت خانواده و حفظ آبروی مردان موضوع را مسکوت می گذارند. از سال ۱۹۹۴ که اولین انتخابات همه نژادی در آفریقا برگزار شد قوانین بسیاری برای حمایت و امنیت زنان وضع شد. اما با این حال در وضعیت زنان تغییر چندانی ایجاد نشده است. خانم باربارا اهامن سخنگوی وزارت امنیت و حفاظت آفریقای جنوبی می گوید که اقدامات بسیاری جهت کمک به زنان صورت گرفته که از جمله تعلیم و تربیت افراد پلیس نیز می باشد اما این تلاش‌ها نتایج محدودی داشته است و باید راه‌های بهتری برای مبارزه با تجاوز به زنان پیدا کنیم.

وضعیت دختران در سیرالئون

سه شنبه ۲۷ ژوئن ۲۰۰۰

در طول ۸ سال جنگ داخلی بین جنگجویان مخالف دولت به نام جبهه متحده انقلابی و نیروهای دولتی سیرالئون هزاران دختر توسط اعضاء این جبهه از خانه هایشان ربوده شده و برای بردگی سکس و کارهای خانگی به اسارت کشیده شده اند. به گزارش یونیسف سرنوشت دختری به نام کامارا هم چون سرنوشت هزاران دختر دیگر می باشد که اسیر این افراد گشته اند. کامارا که از خانه اش ربوده شد، هر شب مورد تجاوز قرار می گیرد و وقتی قصد فرار می کند او را به سختی زده و با تیغ اسم او را زیر گلویش می نویسند.

افراد جبهه متحده حتی پس از امضاء قرارداد صلح با دولت در ماه ژوئیه گذشته، در ماه مه امسال به وضعیت قبلی برگشته و دختران جوان و کودکان حدود ۱۰ ساله را مورد تجاوز قرار می دهند. به گفته مددکاران سازمان ملل هنوز

صدها نفر در اسارت این افراد قرار دارند.

کامارا پس از آن که باردار می شود به کمک نظاره گران سازمان ملل از دست این افراد رها می شود. او می گوید: آنها به خانه ما ریختند و در اطراف عمه و سه دختر عمه من نفت ریختند و ما را تهدید به سوزاندن کردند. و ما در آن جا همیشه در وحشت بودیم آنها دست انسانها را جلوی چشم ما قطع می کردند و همین طور در مقابل چشم کودکان گریبان سر می پریدند و بچه ها را به سوی دیوارها پرتاب می کردند. دختران از وحشت تجاوز مدام خود را به یک نفر نزدیک می کردند و به نام «زن چریک» شناخته می شدند. بسیاری از دختران دچار بیماریهای تناسلی گشته اند. نظاره گر سازمان ملل گزارش می دهد که به طور سیستماتیک دختران مورد تجاوز قرار می گیرند و همین طور اعضا بدن انسانها را قطع می کنند. بالغ بر ۴۵۰۰ کودک زیر سن ۱۸ سال در ژانویه ۱۹۹۹ ربوده شدند از این تعداد ۶۰ درصد دختر بودند. از طرفی کامارا پس از بازگشت به شهر خود مورد خشونت و نفرت مردم قرار گرفته است و به عنوان زن جنگجویا شناخته می شود. او می گوید که «ما را آنها مجبور می کردند» او می گوید قلب ما نابود شده است».

کانادا بهترین کشور برای زندگی

پنجشنبه ۲۹ ژوئن ۲۰۰۰

به گزارش سال ۲۰۰۰ سازمان ملل متحد. هفتمین سال بهترین کشور برای زندگی شناخته شد. اما اگر زن هستید اسکانندیناوی بهترین کشور برای زندگیست. کشور نروژ مقام دوم را پس از کانادا گرفت و پس از آن ایالت متحده آمریکا، استرالیا، ایسلند، سوئد، بلژیک، هلند، ژاپن و بریتانیا. کشور فنلاند در مقام یازدهمین و فرانسه، سوئیس، آلمان، دانمارک، اتریش، لوکزامبورگ، ایرلند و ژلاند نو به ترتیب از بهترین کشورها برای سکونت نام برده شده است.

بدترین کشورها، سیرالئون، نیجری، برکینافاسو، اتیوپی، برونزی، موزامبیک و ... است. سازمان ملل معیارهای خود را بر پایه درآمد، بهداشت و درمان، طول عمر و درجات تحصیلی قرار داده است. گفته می شود

که آنتوریو از استانهای کانادا از این خیر برای جلب سرمایه داران جهت سرمایه گذاری استفاده کرده و در تبلیغات تلویزیونی از آنها دعوت می کند که به بهترین کشور دنیا جهت زندگی بیایند.

اما هنگامی که معیار بر پایه رشد و اعتلاء زنان قرار داده می شود کانادا به ردیف هشتم نزول می کند و کشور آمریکا به سیزدهم. بهترین کشور برای زنان به ترتیب نروژ، ایسلند، سوئد، دانمارک، فنلاند، آلمان، هلند، کانادا، نیوزلند، بلژیک، استرالیا، اتریش، آمریکای شمالی، سوئیس، بریتانیا است. آماری از فرانسه به دست نیامده است.

ژاپن که سطح زندگی بالا و تحصیلات عالی آن را به ردیف نهم رسانده در مورد زنان چهل و یکمین، کمترین کشور است و چهارمین و کره جنوبی سی و یکمین در ردیف بهترین کشورها هستند برای زنان شصت و سومین بود و یونان که بیست و پنجم است برای زنان چهل و نهمین است.

طبق این گزارش ایالت متحده آمریکا با این که ثروتمندترین کشور در بین ۱۸ کشور ثروتمند جهان است، در فقر نیز در رده اول قرار دارد.

ختنه دختران

پنجشنبه ۲۹ ژوئن ۲۰۰۰

حدود ۱۳۰ میلیون زن، اکثراً آفریقایی، به خاطر رسوم قبایلی و سنت‌های محلی و اکثراً با استفاده از وسایل غیر بهداشتی تحت عمل جنایتکارانه ختنه قرار گرفته اند. همه ساله ۲ میلیون به این تعداد اضافه می شود. خانم ناهید طوبیا نویسنده کتاب: ختنه دختران و راهنمای قانون در سخنرانی خود در سازمان ملل گفت: «من از دولت‌ها، قانونگذاران و سازمان ملل می خواهم که پیام خود را برای قطع این حرکت رساتر و پیر زورتر کنند. این عمل اشتباه است».

ختنه دختران در ۱۸ کشور جهان قانونیست که ۹ کشور از آن در آفریقا می باشد. فعالان حقوق زنان خواستار غیر قانونی گشتن آن در سراسر جهان شدند و گفتند که قانون به مردم خواهد گفت که آن کشور، آن دولت و آن جامعه مدنی به این تصمیم رسیده اند که این عمل اشتباه است.

خانم طوبیا گفت: «قبل از آن که ما به رسوم محلی فکر کنیم و نگران فرهنگ و سنت

باشیم باید به وحشت بیفتیم باید به آن یک دختر بی گناه ببیندیشیم. به بچه ای که می ترسد. گریه می کند فریاد می کشد و به یک تجربه هولناک در سن کودکی می ترسد».

اوایل ماه ژوئیه در کنفرانس سازمان ملل جهت تسریع پیرویه حقوق برای زنان، ۱۸۰ کشور مخالفت خود را با قوانین و سنت‌هایی که اجازه دهد اعمال صدمه آور نسبت به زنان انجام شود ابراز کردند.

زنان کویتی و حق رأی

سه شنبه ۴ ژوئیه ۲۰۰۰

در ماه فوریه امسال در نبرد خلق خواندیم که زنان کویتی برای گرفتن حق رای و یا انتخاب شدن اقدام به اسم نویسی در مراکز رای گیری کردند که به سینه آنان دست زد خورد زنان از این حرکت استفاده کرده و علیه مانورین ثبت نام به دادگاه شکایت کردند. زنان کویتی معتقدند که نداشتن حق رای مغایر با قانون اساسی کشور است زیرا این قانون حقوق زن و مرد را یکسان می داند. سرانجام روز سه شنبه ۴ ژوئیه دادگاه عالی کویت شکایت این زنان را بی اساس اعلام کرد و زنان کویتی شکست خوردند.

خانم فریده دشتی در حالی که پس از شنیدن خبر اشک می ریخت به خبرنگاران گفت: به ما گفتند که به خاطر نقایص فنی این کار امکان پذیر نیست ولی ما این نقایص را از میان بر می داریم و دوباره اقدام خواهیم کرد. دلیل دادگاه برای رد این شکایت نداشتن مکان‌های جداگانه برای زنان است زیرا بنیادگرایان اسلامی و محافظه کاران معتقدند که در جریان انتخابات زنان و مردان نباید با هم مخلوط باشند و فعالیت کنند.

دختران مسلح

جمعه ۷ ژوئیه ۲۰۰۰

بنابر گزارش وزارت دادگستری آمریکای شمالی، در سال گذشته تعداد دخترانی که به جرم جنایی محکوم شده اند از پسران بیشتر بوده است. این ازدیاد از سال ۱۹۸۱ شروع شده است. در سال اخیر تعداد دخترانی که دست به عملیات جنایی زده اند سه برابر و پسران دو برابر گشته است.

به مناسبت ۱۱ ژوئیه

روز جهانی کنترل جمعیت جهان

آموزش زنان و نقش آن در کنترل جمعیت

نویسنده: Sharon Hooldsworth

ترجمه: لیلا

توضیح: این مقاله از طرف نویسنده آن به نبرد خلق ارسال شده است.

سال ۱۰۰۰

جمعیت کل جهان ۲۵۰ میلیون نفر. نامتغیر به مدت هزار سال. چین منزلگاه یک چهارم این جمعیت. کوردا در اسپانیا. بزرگترین شهر جهان و دارای ۴۵۰ هزار نفر جمعیت. جمعیت جهان به طور متوسط یک دم یک در صد (یک در هزار) در سال رشد خواهد کرد.

سال ۲۰۰۰

جمعیت جهان بالغ بر ۶ میلیارد (۶/۰۳۱/۰۴۰/۴۱۰). چین منزلگاه یک پنجم این جمعیت است. سئول در کره جنوبی بزرگترین شهر جهان درای ۱۱ میلیون جمعیت است. جمعیت جهان به طور متوسط به مقدار ۱/۱ در صد در حال رشد است.

آموزش دختران یکی از بهترین سرمایه گذاریهاست که هر کشوری می تواند انجام دهد. زمان هدر کردن وقت نیست. باید از همین حالا شروع کرد. آموزش دختران سبب تقلیل رشد جمعیت جهان است.

بدون شک انقلاب صنعتی و دگرگونی در وضعیت بهداشتی - درمانی، خصوصاً در قرن اخیر تأثیر به سزایی در جایگاه امروزی ما در جهان داشته است. با آغاز سال ۲۰۰۰ و این که آیا با امیدواری و شغف و یا بر عکس با یأس و ناامیدی به استقبال آن می رویم همگی بستگی به دیدگاه ما نسبت به جهان دارد. بلکه بستگی به دیدگاه ۶ میلیارد انسان جهان دارد. در این جا منظور ۶ میلیاردی نیست که تا به حال وجود داشته و وجود خواهد داشت. بلکه منظور ۶ میلیاردیست که هم اکنون هوای این جهان زیبا را تنفس می کنند. در یک نشست ویژه سازمان ملل که اخیراً صورت گرفت آقای کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل گفت: «تمام تاریخ بشریت که تا سال ۱۸۰۰ به طول کشید. جمعیت جهان به یک میلیارد رسید. و تا سال ۱۹۶۰ به ۳ میلیارد رسید. امروز در هر ۱۲ سال یک میلیارد به جمعیت جهان افزوده می شود. بنا براین ضمن حیرت زده شدن از چنین رشدی به این فکر می کنیم که به راستی اگر از سال ۱۹۶۰ تعداد تولدها در بسیاری از کشورهای جهان به مقدار ۵۰ در صد تقلیل نیافته بود چه می شد. چنان که آمار نشان می دهند باز هم با وجود این افت، جمعیت جهان به سرعت رو به رشد است. با در نظر گرفتن این که تعداد افراد جوان که

در سن تولید مثل هستند رقم بالایی را در جهان دارند رشد جمعیت در کشورهای در حال توسعه حدود ۹۰ درصد این جمعیت در حال رشد را در بر می گیرد.

از شواهد چنین برمی آید که در سراسر جهان زنان چنان چه حق انتخاب داشته باشند خودشان مایل به داشتن فرزند کمتر می باشند. در کشورهای توسعه یافته این به اثبات رسیده است (به طور متوسط دارای کمتر از ۳ کودک) در حالی که در برخی از کشورهای در حال رشد نیز تغییرات مثبتی رخ داده است و زنانی که به طور متوسط دارای ۶ بچه می شدند هم اکنون این تعداد به ۳ فرزند رسیده است. مسلماً در سطح جهان زنان دارای کودکان کمتری نسبت به قبل می شوند. اما چرا؟ به چند دلیل. مستقیم و غیر مستقیم. در میان دلایل مستقیم می توانیم برای مثال سقط جنین و یا دسترسی به وسایل مدرن جلوگیری از بارداری را نام ببریم. ما در نظر گرفتن این که حدوداً ۱۲۰ میلیون زن در جهان به این وسایل دسترسی ندارند. از دلایل غیر مستقیم می توان از این که بسیاری از زنان مایل به داشتن خانواده کوچکتر هستند یاد برد. بسیاری از آنان در شهرها و حومه آن زندگی می کنند بنابراین نیازی برای داشتن فرزند بیشتر برای کار در مزرعه ندارند. اما یکی از دلایل مهمی که پژوهشگران بدان رسیده اند آموزش و تحصیلات برای زنان بوده است.

مؤسسه Brown, Gardner and Halewei می گوید: «برای کنترل جمعیت دختران را با سواد کنید». آنها می گویند در هر جامعه ای که توانسته ایم به آمار دسترسی پیدا کنیم هر چه آموزش برای دختران بیشتر بوده آنجا کودکان کمتری وجود داشته است. این مؤسسه در سال ۱۹۹۳ در یک مجله علمی به طور اخص اشاره به رابطه بین سواد زنان و تعداد حاملگی اشاره کرده است و متذکر شده است که وقتی زنان حتی سواد پایین دوران ابتدایی را داشته اند تعدد فرزندان آنها به طور چشمگیری کمتر بوده است و چنان که به دوره های متوسط راه یافته اند این تقلیل چشمگیری بوده است. خانم Shantri Cohly در کتاب خود به نام The Generation Gap از تفاوت بزرگی که بین دخترانی که دسترسی به آموزش دارند و تعداد فرزندان آنها که ندارند یاد کرده و می نویسد: «در کشورهایی مانند افغانستان و چاد که کمتر از یک نفر در ده نفر زن قادر به رفتن به دوره متوسطه هستند و مادرانشان که کمتر از ۱ سال معمولاً سواد دارند. به طور متوسط هر زن ۶ فرزند دارد و معمولاً بایستی ترازوی غمناک از دست دادن حداقل یک فرزندش را قبل از رسیدن به یک سالگی تحمل کند». او می نویسد: «از طسرفی زنان آمریکایی که به طور متوسط بیشتر از ۱۲ سال تحصیلات دارند حدود ۲ فرزند دارند».

سوادآموزی البته دارای شکللهای متفاوتیست. در حد ابتدایی آن آموزش زبان و ریاضیات است. اما همین مقدار کم

و ناچیز تأثیر عظیم و عمیقی دارد. نتایج تحقیقات در این زمینه نشان داده که به محض آن که یک نفر به تحصیلاتی دست می یابد به زودی خود و دنیای اطرافش را می شناسد و با آن آگاهانه تر برخورد می کند و این برای زنان بدین معناست که اولاً از محیط اطراف خود قدم به بیرون می گذارند و سپس موقعیت و هستی خود را زیر سؤال قرار می دهند و سریعاً شروع به تصمیم گیری و انتخاب می کنند. آگاهی، عمل و حرکت را به همراه می آورد. بدون آگاه شدن نه تنها دختران بلکه همه افراد خانواده الگوهای گذشته را ادامه می دهند الگویی که تنها نقش زن را حامله شدن می داند.

هم اکنون تأثیر آموزش برای زنان و اثرات آن در رشد جمعیت جهان ثابت گردیده است. تنها با یک نگاه به هر یک از نشستهای سازمان ملل متحد نشان می دهد که تقریباً تمامی کشورهای جهان برای تحصیل و رشد و تغییر وضع زنان قدم به جلو نهاده اند. آنها به این اصل سازمان ملل که: تحصیلات و برنامه های ویژه برای خانواده ها و برای بالابردن کیفیت زندگی زنان تأثیر عظیمی داشته که در نتیجه برای جامعه ثمربخش بوده است، واقف هستند.

بنابراین، هم چنان که ما قدم به قرن بیست و یکم گذاشته ایم و در جستجوی دنیایی هستیم که برای همه افراد بشر رفاه و زندگی بهتر مهیا گردد بایستی در امر آموزش زنان که تأثیر حساسی در کنترل جمعیت جهان دارد فعال باشیم. کمیسیون کنترل جمعیت سازمان ملل متحد اخیراً در گزارش سالانه خود به مناسبت روز جهانی جمعیت اعلام کرده که حدود ۵۰ در صد از کشورهای جهان به دلیل کمبود جوانان برای کار که متأثر از کنترل جمعیت و تقلیل در تولید مثل می باشد، دچار مشکلاتی شده اند که ناشی از تعداد بالای افراد پیر که مجبور هستند به نیروی کار جوانان تکیه کنند می باشد. اما با این حال کوفی عنان در سخنرانی خود به مناسبت این روز گفت: «حال دیگر واضح است که ما باید تعداد خود را به حد ثابتی برسانیم» زیرا هم چنان جمعیت جهان رو به افزونی می باشد.

آقای دیانگ رئیس سازمان World Life League که سازمانیست مخالف با حق سقط جنین برای زنان در این جلسه گفت که: معلوم نیست که چرا عنان قصد دارد جهان را از رشد جمعیت بترساند در صورتی که بسیاری از نقاط جهان در کمبود نیروی انسانی هستند. دی یانگ گفت: «باید زنان را به داشتن فرزند بیشتر تشویق کرد».

منابع مورد استفاده در این مقاله:

- جول سردا. «معنای هزار ساله» چاپ شده در مجله جغرافیای ملی
- اداره آمار ایالت متحده آمریکا
- جوزف اسپیدل رئیس سازمان بین المللی کنترل جمعیت جهان

زنان و مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۶

زنان السالوادور و ویتنام

جمعه ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۰

فدراسیون رفاه خانواده که دفتر مرکزیش در ایالت متحده آمریکا واقع است در یک میتینگ سالانه اعلام کرد که فعالیتهای خود را برای حمایت از زنان و حق بارداری به کشورهای السالوادور و ویتنام متمرکز خواهد کرد. خانم گلوریا فلدت رئیس این فدراسیون گفت: هر زنی، صرف نظر از این که کجا زندگی می کند دارای این حق پایه ای می باشد که خودش برای فرزند داشتن تصمیم بگیرد. موقعیت جغرافیایی و یا هیچ چیز دیگری نباید مانع داشتن این حق باشد. آقای جورج فرناندز رئیس یک انجمن در مورد السالوادور گفت: «۴۶ درصد از جمعیت السالوادور زیر سن ۲۰ سال هستند. بسیاری از آنها فقیرند. بسیاری هیچ گونه دسترسی به اطلاعات مربوط به جلوگیری از بارداری و بیماری ایدز ندارند. بنابراین ما باید به آنها کمک کنیم که بدان قدرتی دست یابند که بتوانند سرنوشت خود را در دست خود گیرند و در باره آینده شان برنامه ریزی کنند. هم چنین خانم نانک ساسوکی از ویتنام گفت: «در ویتنام به تعداد دختران باردار هر روز افزوده می شود و تعداد سقط جنین در این کشور از همه جهان بیشتر است».

کنفرانس بین المللی ایدز

جمعه ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۰

سیزدهمین کنفرانس بین المللی ایدز از ۷ ژوئیه کار خود را در آفریقای جنوبی آغاز کرد و در روز ۱۴ ژوئیه به کار خود پایان داد. در این کنفرانس، کمیانی بهداشت زنان، سازمان ملل متحد و (UN.AIDS) و سازمان جهانی بهداشت شرکت داشتند. این سه سازمان در یک همکاری مشترک به زنان استفاده از وسیله جدیدی که زنان را از ابتلا به بیماری ایدز یا بارداری مصون نگه می دارد آموزش می دهند. این اولین بار است که زنان به وسیله ای دسترسی پیدا می کنند که با آن قادر خواهند بود که زندگی خود را کنترل کنند. دکتر پیوت مدیر برنامه UN AIDS گفت: «بدون داشتن متد درستی برای زنان هرگز نمی توان حرکتی اساسی در پیشگیری بیماری ایدز کرد». آمار ارائه شده در مورد بیماری ایدز ۲۹ میلیون مرگ، ۳۴ میلیون مبتلا به HIV و ۳۵ میلیون کودک یتیم است. نسون ماندلا رئیس جمهور سابق آفریقای جنوبی در سخنرانی خود که بسیار عمیق و تأثیرانگیز بود گفت: «این تعداد رقم وحشتناکی است. اینها اعداد خشک نیستند اینها انسانهایی هستند که نفس می کشند. بچه هایی با نفسهای گرم و چشمانی که برای یاری به ما دوخته شده اند. او خواست که همگی در شهر Soveto شخصاً بیماران را ملاقات کنند. در این شهر از هر ۳ نفر یک نفر مبتلا به این بیماریست».

بیانیه اجلاس شورای ملی مقاومت پیرامون تحولات سیاسی کشور

در آستانه چهل و هشتمین سالگرد قیام ملی ۳۰ تیر، روز فراموش نشدنی و پر افتخاری که در سال ۱۳۳۱ دکتر محمد مصدق پیشروای نهضت ملی و ضد استعماری مردم ایران را به قدرت بازگرداند و در آستانه نوزدهمین سالگرد تاسیس شورای ملی مقاومت ایران در ۳۰ تیر سال ۱۳۶۰ و همزمان با نوزدهمین سالگرد ۳۰ خرداد، سرآغاز مقاومت مسلحانه و روز شهیدان و زندانیان سیاسی و با گرامیداشت یاد و خاطره زنان و مردانی که طی سالهای حکومت استبدادی - مذهبی ولایت فقیه در راه کسب استقلال ایران و آزادی مردم ایران و برای تحقق آزادی، دموکراسی، عدالت، پیشرفت و حاکمیت مردمی به شهادت رسیده اند و با گرامیداشت سالروز بنیانگذاری ارتش آزادیبخش ملی ایران و خاطره رزمندگان دلیر ارتش آزادی و همه زنان و مردانی که در سال گذشته در عرصه نبرد با رژیم استبدادی حاکم جان باختند، شورای ملی مقاومت ایران اجلاس بزرگ خود را با شرکت ۵۴۰ تن از اعضا و با حضور رئیس جمهور برگزیده مقاومت در روزهای ۲۱ و ۲۲ خرداد ۱۳۷۹ برگزار نمود. اعضای شورای ملی مقاومت پس از استماع گزارش مسئول شورا در باره تحولات سیاسی و فعالیتهای شورا و کمیسیونها و نمایندگیهای آن، به بررسی و بحث و مشورت پیرامون مهمترین رویدادها در فاصله دو اجلاس شورا پرداختند و به نتایج زیر رسیدند:

الف - تحولات درون رژیم و انتخابات مجلس ارتجاع

۱- دستگیری عبدالله نوری و تصویب قانون برای شرکت رفسنجانی در انتخابات با حفظ نام رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، که با تصمیم دستور مستقیم ولی فقیه انجام گرفت. برای این بود که رفسنجانی به ریاست مجلس گمارده شود. اما خامنه ای در این ترفند توطئه گرانه، سرش به سنگ خورد و آن چه را که در آن شرایط برایش خیز برداشته بود، به دست نیاورد.

شرکت رفسنجانی در انتخابات مجلس رژیم با اطلاع و عدم مخالفت شخص خاتمی صورت گرفت.

در شمارش اولیه آرای نمایش انتخاباتی، این گونه وانمود می شد که کاندیداهای وابسته به باند خاتمی ۸۰ درصد کرسیهای مجلس ارتجاع را تصاحب کرده و در رویارویی با باند رقیب، یک گام اساسی به جلو برداشته اند. رفسنجانی هم با تقلب به عنوان نفر سی ام در آخر لیست انتخاب شدگان تهران قرار داده شد. در همان زمان مسئول شورا در پیام خود به مناسبت ۲۲ بهمن گفت در این مرحله از رفسنجانی هم آبی گرم نخواهد شد. او از آن خمینی از حاکمیت، عملی خواهد بود.

زاده هایی است که کور می کند. اما شفا نمی دهد.

۲- ولی فقیه با مشاهده نتایج انتخابات و موقعیت فضااحت بار رفسنجانی، به یک سلسله اقدامات مرعوب کننده و مهار کننده مبادرت ورزید. ترور جباریان، بازشماری آرای صندوقهای تهران، توقیف مطبوعات وابسته به جناح رقیب، جنجال بر سر کنفرانس برلین، تهدیدهای شورای نگهبان و سپاه پاسداران و بلند کردن چوب ابطال انتخابات تهران توسط شورای نگهبان در این شمار بودند.

سردمداران باند خاتمی، اما، در برابر تهاجم ۳ ماهه ولی فقیه، بر طبق خط مشی اعلام شده تسلیم و عدم مقاومت، جز کرنش، دعوت به آرامش و اظهار سرسپردگی به مرزبندیهای دیکته شده از جانب خامنه ای، هیچ واکنشی نداشتند. زیرا می خواستند مجلس به هر قیمت تشکیل شود.

آنها با صراحت می نوشتند: «همان طور که در مواضع گروههای اصلاح طلب دوم خرداد اعلام شده است، هیچ شرایطی جواز خشونت و تخریب به دست هیچ کس نمی دهد. با فرض این که شورای نگهبان در مورد ابطال حوزه بی اشتباه کار هم باشد، واکنش آن چیزی به جز انتقاد مستند و مستدل نیست». هم چنین تصریح می کردند که «حتی اگر شورای نگهبان آرای همه حوزه های انتخابیه را باطل اعلام کند نیروهای اصلاح طلب نمی توانند آن را مجوزی برای اقدامات غیر قانونی قرار دهند».

۳- در چنین شرایطی ولی فقیه، برای برون رفت از بحران و بن بست انتخابات تهران، از قدرت فرا قانونی، خود برای یک «قانون شکنی» دیگر به منظور تضمین هژمونی خود و حفظ خط قرمز ولایت، سود جست و در حالی که باند خاتمی را در مقابل «مرگ» ابطال به «تب» حفظ مرزبندیها راضی کرده بود، راه کم هزینه تر را برگزید و بدین ترتیب با از دست دادن حد اکثر (یعنی ریاست رفسنجانی بر مجلس) و حفظ «حداقل» (خط قرمز ولایت)، به جای برون رفت از بن بست، آن را «نهادینه» نمود و به جای حل بحران، بحران بزرگتری را به جان خرید.

۴- باند خاتمی که برای تسخیر مجلس خیز برداشته بود، توانست اکثریت کرسیهای مجلس ششم ارتجاع را به دست آورد. اما این مجلس سر بریده، که تمامی اعضای آن در طی مراحل مختلف این انتخابات، اعتقاد و التزام خود را به ولایت خامنه ای اعلام کرده اند و علاوه بر آن، چماق شورای نگهبان هم همواره بالای سر مصوباتشان خواهد بود، یارای مقابله تعیین کننده با ولی فقیه را ندارد. زیرا در واقعیت امر، مقابله تعیین کننده با ولی فقیه، تنها در خارج از حاکمیت، عملی خواهد بود.

چنین مجلسی نمی تواند ابزار کارآمد مورد نظر استحاله طلبان باشد.

تبلیغات استعماری پیرامون این مجلس و القای این شبهه که گویا چنین مجلسی می تواند به «توسعه سیاسی» و امنیت اقتصادی کمک کند، ادعای پوچ و مسخره ایست که تنها برای غارت منابع ملی کشور ما ساخته و پرداخته می شود.

۵- مجلس ششم ارتجاع البته مجلس مطلوب خامنه ای نیست، اما خاتمی هم نتوانسته است آن را چنان که می خواست، به مثابه یک نهاد کارآمد در جهت اهدافش، به دست بیاورد. در یک کلام، خامنه ای مجلس مطلوب خود را از دست داد، ولی خاتمی هم مجلس مطلوب خود را به دست نیاورد. این وضعیت بازی بدون برنده و ناتمامی را تداعی می کند که به طور مضاعف باعث تشدید بحران رژیم می شود.

در جریان انتخابات، دو طرف یکدیگر را در برابر جهانیان رسوا و بی اعتبار کردند و عدم مشروعیت رژیم را به اثبات رساندند.

۶- رفسنجانی نیز به شکلی متفحصانه و در شرایطی که جوانان و دانشجویان در تهران با شعار اکبر شاه، اکبر شاه، بگو مرگ بر شاه، تنفر و انزجار خود را نسبت به او ابراز می داشتند، کناره گیری خود را اعلام کرد. فلاکت رفسنجانی که طی دو دهه درب نظام آخوندی سر پاشنه و حول او می چرخید، بازتاب و شاخص وضعیت کل رژیم و یکی از علائم مهم مرحله سرنگونی است. جناحهای مختلف رژیم خود به این واقعیت اذعان دارند:

یکی می گوید: نظام سیاسی دچار بحران است مردم در غرقاب سیاست، اقتصاد و فرهنگ، هر روز به تخته پاره ای جنگ می زنند. اما پس از مدتی دستشان رها می شود و در پی دیگری روان می شوند... همه کسانی که امروز در قامت رقیبان بی گذشت، رو در روی هم ایستاده اند، از بیست سال پیش تا کنون به عنوان اجزای یک نظام سیاسی یکپارچه کار کرده اند و امروز آنچه پیش روی ماست، محصول کار مشترک همه آنهاست و هیچ یک از مسئولیت مشترک گریزی ندارند.

دیگری می گوید: آن چه در آینده انتخابات مجلس ششم مشاهده می شود، ضربه ای است که به این مجموعه وارد شده است. نه به یک فرد و یک جناح از افراد روحانی... در منازعات سالهای اخیر، بازنده اصلی مجموعه عناصر روحانی و انقلابی، با اختلاف سلیقه ها و مشربهایی که دارند، هستند. طبعاً وقتی بازنده اصلی مشخص باشد، برنده اصلی را نیز با اندکی تأمل می توان شناخت. زیرا کشور از نظر دچار بحران است. وضعیت اقتصادی به شدت ناامید کننده است، تفرقه و تشمت بیداد می کند.

مفاسد اجتماعی با سرعت سرسام آوری رو به افزایش است و... اگر این روند ادامه پیدا کند، همه چیز از دست خواهد رفت و دیگر قابل جمع کردن نخواهد بود. یکی دیگر هم نتیجه می گیرد که «غلبه فضای بحرانی، تنها یک نتیجه روشن دارد و آن پدید آوردن محیط مناسب برای زیست اجتماعی و سیاسی جریان سوم است که خود را «الترناتیو نظام می داند».

۷- وضعیت انتخابات و مجلس ششم ارتجاع مبین آسیب پذیری، ضعف و تزلزل کل رژیم است. این مجلس نمی تواند جایی برای تخلیه و کنترل و قانونمند کردن تضادها و چالشهای درونی رژیم باشد، برعکس بن بست رژیم را نهادینه می کند و بر شدت و حدت بحران داخلی آن می افزاید.

این وضعیت برنده ای جز مرده ایران و جایگزین دموکراتیک و مردمی (شورای ملی مقاومت) که همواره از یک انتخابات آزاد، بر اساس اصل حاکمیت مردم (و نه ولایت فقیه) با تضمینهای کافی و تحت نظر ملل متحد دفاع کرده است، ندارد.

ب - فعالیتهای مقاومت

در اجلاس شورا، صحت مواضع اصولی شورا و مفاد قطعنامه اجلاس قبلی و اثبات آن در جریان عمل مورد تاکید قرار گرفت. هم چنین یادآوری گردید که طی این مدت، هیچ عرصه بی نبوده که از حضور و فعالیت اعضا، نمایندگان و پشتیبانان مقاومت و مقابله آنان با مقاصد ضد ایرانی رژیم آخوندی، خالی نمانده باشد.

در اجلاس شورا به رؤس فعالیتهای سیاسی و نظامی و اجتماعی و بین المللی مقاومت در فاصله بین دو اجلاس (فروردین ۷۸ تا خرداد ۷۹) به شرح زیر اشاره شد:

- بیش از یک صد رشته عملیات درخشان نظامی و درگیری با قوای سرکوبگر، در تهران و شهرهای بزرگ و مناطق مرزی، تسایان ذکر است که فرماندهان نیروهای مسلح رژیم ارتقام بیشتری را اعلام می کنند که درگیریهای اتفاقی و برنامه ریزی نشده را هم شامل می شود. فرمانده کل سپاه پاسداران رقم درگیریها و عملیات نظامی مجاهدین را در سال ۱۳۷۸، یک صد و شانزده فقره و جانشین رئیس ستاد ارتش رژیم آن را یک صد و شصت مورد اعلام کردند.

- سه رشته کارزار سراسری تبلیغی و ترویجی، به مناسبت ۳۰ خرداد، اول مهر و ۱۹ بهمن که هر بار دست کم به مدت دو هفته نزدیک به ۶۰۰ شهر کشور را فرا گرفت.

۲۷۰ رشته تظاهرات و اکسیون اعتراضی و افشاگرانه در اروپا و آمریکا، شامل تظاهرات بزرگ فرانسه (در اعتراض به سفر خاتمی)، تظاهرات بزرگ آلمان بقیه در صفحه ۹

بیانیه اجلاس شورا...

بقیه از صفحه ۸
 (هم زمان با اجلاس سران کشورهای صنعتی)، تظاهرات بزرگ آمریکا و هلند و هم چنین سلسله تظاهرات جهانی همبستگی با قیام تیر ماه دانشجویان و مردم تهران و دیگر شهرهای میهنمان.

برگزاری ۱۹۶ جلسه و گردهمایی سیاسی با شرکت ایرانیان آزاده در کشورهای مختلف جهان.

انجام بیش از ۴۲۰۰۰ دیدار و گفتگوی سیاسی و برگزاری بیش از ۵۰ کنفرانس مطبوعاتی و جلسه سیاسی در اروپا و آمریکا توسط نمایندگان مقاومت.

شایان ذکر است که در فاصله بین دو اجلاس شورا، رژیم بیش از گذشته بر توطئه های گوناگون خود علیه مقاومت افزود. سرکوب و تخریب مقاومت نه فقط در صدر اولویت های رژیم در داخل کشور قرار داشت، بلکه عمده تحرکات بین المللی و هم و عم اصلی وزارت خارجه آخوندی را تشکیل می داد.

طی همین مدت ۲۵ عمل تروریستی علیه پایگاهها و رزمندگان ارتش آزادیبخش ملی صورت گرفت که در مجموع ۱۱ شهید و ۷۵ مجروح بر جای گذاشت.

اجلاس شورا ضمن ستایش از تمامی زنان و مردانی که در فعالیتها و پیکار گسترده مقاومت ایران در سراسر جهان شرکت کرده اند، به تحلیل این فعالیتها پرداخت که خلاصه آن به شرح زیر است:

۱- تثبیت، تداوم و گسترش عملیات مقاومت در شهرهای مختلف ایران و عجز و ناکامی رژیم در مقابله سیاسی - امنیتی با آن. به خاطر برخورداری رزمندگان مقاومت از حمایت و استقبال مردمی محقق شده است و اکنون با ورود رزمندگان زن مجاهد خلق به صحنه نبرد، اوج تازه ای می یابد.

۲- عملیات مقاومت در داخل کشور و نیز حرکت های رادیکال مردمی (جنبشها و خیزشهای توده ای در سراسر میهن، قیام دانشجویان و جوانان در تیر ماه گذشته و حرکت های دیگر دانشجویی و کارگری و...) در تضعیف تمامیت رژیم و به ویژه باند غالب آن آثار مهمی بر جای گذاشت. این عملیات و هم چنین اعتراضات قهرآمیز مردمی، بر خلاف یاده های باند خاتمی و دیگر فرومایگان دنیای سیاست، نه فقط موجب تقویت ولایت خامنه ای و باند او نشده، بلکه همان گونه که سیر واقعیتها نشان می دهد، قدرت خامنه ای و عمله و اکرد او را برای سرکوب و حتی برای مهار و مرعوب کردن خاتمی و شرکا بسپار محدود کرده است. واقعیت این است که در فقدان عملیات مسلحانه و حرکت های رادیکال مردمی، ولی فقیه می توانست خاتمی و دار و دسته او را به سهولت از صحنه سیاسی حذف کند.

۳- عملیات مقاومت و حرکت های قهرآمیز مردمی، تضادهای درونی ارتجاع

حاکم را تشدید کرده و نه فقط موجب انسجام و یکپارچگی رژیم آخوندی و ولایت خامنه ای نشده، بلکه بر خلاف آن چه مدافعان و مبلغان رژیم و سازشکاران و فرصت طلبان حرفه ای تبلیغ می کنند، باعث گسیختگی استبداد مذهبی و تعمیق بحران درونی آن گردیده و امکان هر چه بیشتری برای گسترش جنبش اجتماعی مردم ایران ایجاد کرده است.

از این رو عملیات و اقدامات رادیکال، نه در مقابل حرکت های اجتماعی مردم، بلکه در جهت گسترش و تقویت جنبش مردمی برای نیل به آزادی و حاکمیت مردم است.

ج - جنبش اجتماعی، اعتراضات و خیزشهای مردمی

شورای ملی مقاومت از سال ۱۳۷۰ اعلام کرده است که حرکت های اعتراضی مردم در سراسر کشور پس از در هم شکسته شدن طلسم جنگ طلبی و خوردن «زهر آتش بس از سوی خمینی، نتیجه مستقیم وخیم تر شدن وضع زندگی مردم و ناتوانی کامل رژیم از حل ابتدایی ترین مسائل جامعه می باشد.

شورا اعلام کرده بود که رژیم بحران زای ولایت فقیه پس از تن دادن به آتش بس تحمیلی، چاره ای جز رو به رو شدن با نتایج انفجاری این بحرانها در داخل کشور و در درون رژیم نداشته و ندارد و ورود عنصر اجتماعی به صحنه مبارزه سیاسی، تسریع کننده و تکمیل تلاش ارتش آزادیبخش ملی ایران برای سرنگونی رژیم ضد بشری است.

شورا هم چنین، تاکید کرده بود که گسترده شدن ابعاد و فراوانی و شدت جنبشها و اعتراضات مردمی، نه در چارچوب تنگ تضادهای درونی جناحها بلکه در قالب یک بحران عمیق اجتماعی و تغییرات تدریجی تعادل قوا به سود مردم و به زیان رژیم قابل شناسایی و قابل توضیح است (گزارش اجلاس مهرداد ۱۳۷۰ شورای ملی مقاومت).

در همین راستا اجلاس اخیر شورا، با تجزیه و تحلیل مضمون، خصلت و سمت گیری حرکت های اجتماعی و اعتراضات و خیزشهای مردمی، که در فاصله بین دو اجلاس به ۵۸۷ فقره بالغ گردیده است، نتیجه گرفت:

۱- گسترش جنبش مردمی که با شعارهای رادیکال علیه سرکردگان رژیم همراه است و نیز به کار گرفتن اشکال قهرآمیز مبارزه، نشان دهنده آن است که این مبارزه نه در جهت برآوردن اهداف باند خاتمی، بلکه دقیقاً علیه تمامیت رژیم حاکم است.

مضمون حرکت های اجتماعی مردم، مبارزه علیه استبداد مذهبی و رژیم ولایت فقیه و برای تحقق آزادی، دموکراسی و استقرار حکومت مردمی و غیر مذهبی (عرفی) است. خصلت رادیکال و شعارهای این جنبش نشان دهنده جهت گیری آن برای سرنگونی رژیم ارتجاعی حاکم و تمامی دسته بندیهای درونی آن است.

گسترش خیزشهای مردمی، به رغم خفقان حاکم و به رغم فراخوانهای تسلیم طلبانه، در ارتباط مستقیم با مقاومت سازمان یافته و ضربات فزاینده نظامی و سیاسی آن بر پیکر رژیم و مکمل مبارزه قهرآمیز برای سرنگونی است.

۲- اصلاح طلبان قلابی و دروغین و پشتیبانان استعماری آنان می خواهند چنین وانمود کنند که جنبش مردم ایران هم جهت و همسو با باند خاتمی است. در حالی که خاتمی و دار و دسته او که در گذشته می کوشیدند حرکتها و اعتراضات مردم و فشار از پایین را وسیله چانه زدن در بالا برای کسب سهم هر چه بیشتر در قدرت قرار دهند، مدت ها است که پس از قیام تیر ماه در مهار و کنترل و حتی در سرکوب خیزشهای مردمی پیش دستی می کنند.

در قطعنامه اجلاس شورا در فروردین ۷۸، تصریح شده بود که «سه سره شدن رژیم، پدیده جدیدی را در جامعه به وجود آورده که هر روز ابعاد گسترده تری می یابد. این پدیده، فعال شدن پایه اجتماعی جنبش مقاومت سازمان یافته است که در پیوند با جایگزین دموکراتیک، ناقوس مرگ رژیم را به صدا درآورده است و آخوندهای حاکم را دچار وحشت و استیصال کرده است». قیام دانشجویان و جوانان در تیر ماه گذشته و خیزشهای مردم در شهرهای مختلف، صحت ارزیابی شورای ملی مقاومت را به اثبات رساند.

۳- تمام دسته بندیهای اصول و خوش آخوند خاتمی به طور عام، و شخص خاتمی به طور خاص، مانع گسترش جنبش ترقیخواهانه مردم ایران می باشند. اینان مردم را همواره به سکوت و مماشات فرا می خوانند و شعارهای رادیکال مردم را محکوم می کنند.

خاتمی در برابر تعرضات خامنه ای همواره کنش می کند، او حتی در مقابل تعرض به نزدیکترین مشاوران و دوستانش، سکوت و خیانت پیشه می کند. هم چنان که در مورد ترور جباریان و در برابر محاکمه نمایشی و مسخره عاملان زبردست حمله به کوی دانشگاه چنین کرد. او پیگیری قتل های سیاسی زنجیره ای را هم مسکوت گذاشت و با همدستی رئیس قوه قضائیه تحت امر ولی فقیه، برای پنهان نگهداشتن آمران قتلها به سیاست دفع الوقت برای فراموش شدن مسأله متوسل شد و اخیراً نیز مژورانه همان حرف دو سال پیش خامنه ای، مبنی بر وجود «دستهای خارجی» در قتل های سیاسی را تکرار کرد.

خاتمی که خود در قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷ نقش مهمی ایفا کرده است، شخصاً دستور توقیف نشریه ای را که به این موضوع اشاره کرده بود، صادر کرد. به دنبال صدور همین دستور بود که روزنامه های رژیم فاش کردند که در زمان قتل عام، خاتمی علاوه بر مسئولیت مشترک در هیأت وزیران در «سمت معاون فرهنگی

ستاد فرماندهی کل قوا... با جدیت از حکم حضرت امام حمایت کرده بود... اکنون کار به جایی رسیده که برخی از گروه های پشتیبان خاتمی او را به خاطر سکوت در مقابل اقدامات سرکوبگرانه وزارت اطلاعات، توقیف مطبوعات و ترور و زندانی کردن بعضی از افراد وابسته به جبهه سوم به ۲ خرداد، به زیر سؤال می برند.

شورای ملی مقاومت، خواستار اعزام یک هیأت بین المللی برای تحقیق پیرامون قتل های سیاسی زنجیره ای و شناسایی و معرفی آمران و عاملان آن و همچنین شناسایی و معرفی کلیه زندانیان سیاسی قتل عام شده در سال ۱۳۶۷ و معرفی آمران و عاملان آن قتل عام وحشیانه است. شورای ملی مقاومت از جامعه بین المللی می خواهد که با اتخاذ تدابیر جدی و عملی رژیم آخوندی را برای آزادی همه زندانیان سیاسی و عقیدتی و تمامی کسانی که به طور خودسرانه بازداشت شده اند و هنوز در سیاهچال های رژیم به سر می برند، از جمله دانشجویان و دانش آموزان بی گناهی که پس از قیام تیر ماه گذشته دستگیر شده اند، تحت فشار قرار دهد.

۴- شورای ملی مقاومت، که بخش سازمان یافته جنبش مردم ایران برای نیل به آزادی و حاکمیت مردمی است، بار دیگر تاکید می کند که تحقق خواست های بر حق مردم ایران جز با سرنگونی کامل و تمام عیار این رژیم ضد بشری از طریق مبارزه قهرآمیز، در پیوند با تمام شکل های دیگر مقاومت و مبارزه اجتماعی مردم ایران، میسر نیست.

دلیل وجودی و هدف تاسیس شورای ملی مقاومت، همانا سرنگونی نظام استبدادی مذهبی ولایت فقیه و انتقال حاکمیت به مردم ایران است.

۵- شورای ملی مقاومت در برنامه و طرح های خود و نیز در وظایف میرم دولت موقت همواره بر حقوق اساسی مردم ایران، بر لغو هر گونه تبعیض جنسی، مذهبی و ملی، بر آزادی اندیشه و بیان بدون هر گونه سانسور و تفتیش عقاید، بر آزادی کامل مطبوعات و رسانه های همگانی، بر لغای مقررات قصاص و حدود و تعزیرات و دیات رژیم ضد بشری، بر انحلال دادگاهها و داندراهای به اصطلاح انقلاب اسلامی و محاکم شرع، بر ایجاد یک سیستم قضایی منطبق با موازین شناخته شده حقوقی و بین المللی، بر به رسمیت شناختن بیانیته حقوق بشر و میثاقها و عهدنامه های تابع آن، بر امنیت قضایی و شغلی تمام آحاد مردم، بر آزادی کامل تشکلهای مستقل کارگری و کارمندی و بر آزادی تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی تاکید کرده و تمامی زنان و مردان و جوانان ایران زمین را به مبارزه سرنوشت ساز و به حمایت و پشتیبانی از ارتش آزادیبخش ملی ایران و پیوستن به صفوف آن فرا می خواند.

شورای ملی مقاومت ایران

۳۰ خرداد ۱۳۷۹

یادداشت و گزارش

الف. ش. مفسر

سفر خاتمی به آلمان

بالاخره به رغم ناپاوری پاسدار حسین شریعتمداری سردبیر کیهان که پیوسته شایعه قطعی نبودن سفر خاتمی به آلمان را می پراکند، خاتمی به آلمان سفر کرد. این سفر، مثل سفرهای قبلی خاتمی فرصتی بود که ایرانیان پناهنده به خارج کشور، فریاد اعتراض خود و هموطنان تحت ستم و سرکوب را از این رژیم با برگزاری تظاهرات و اقدامات اعتراضی، به گوش جهانیان برسانند. باز هم مثل سفرهای قبلی خاتمی به نیویورک و رم و پاریس، بزرگترین تظاهرات ایرانیان از سوی مقاومت برگزار شد و دوستان مجاهد زحمت و تلاش بسیار برای سازماندهی و برگزاری آن به کار بستند و عزم و اراده دستداران و هواداران مقاومت بر تمام مانع تراشیهایی رسوا و همه مشکلات پیروز شد و بزرگترین تظاهرات با شرکت هزاران نفر در زیر بارش شدید باران برگزار شد. دولت آلمان، هر چه در توان داشت در سنگ اندازی بر سر راه برگزاری این تظاهرات به کار برد. حتی پلیس این کشور از یورش به محل اقامت هواداران مجاهدین و مقاومت ایران در آلمان و دستگیری گروه کثیری از آنان خودداری نکرد. اما این تظاهرات برگزار شد. مانع تراشی و اقدامات وحشیانه پلیس کشورهای اروپایی علیه هواداران مقاومت در جلوگیری از تظاهرات اعتراضی، تغییری در این واقعیت که مردم ایران از این رژیم سرکوبگر مذهبی متنفرند و خواهان برچیده شدن آن هستند و تا بر پایهی یک حکومت دیکراتیک مبنی بر آراء آزادانه خویش از پای نخواهند نشست، نخواهد داد. حتی اگر پلیس آلمان با کوره های آدم سوزی سیار یا با شعله افکن به محل می آمد و همه ما شرکت کنندگان در آن تظاهرات را می سوزاند و خاکستر می کرد و خاکستر ما را در بسته بندیهای کسادوبی به رئیس جمهور رژیم خونخوار آخوندی هدیه می کرد تا او برای مأموران جنایتکار وزارت اطلاعات و پاسداران آدمکش و آخوندهای ضد بشر سوغات ببرد. باز هم این فقط پاک کردن صورت مسئله بود. مگر آن اعدایا و کشتارهای گروهی سالهای دهه ۶۰، انقلاب فرهنگی و بستن دانشگاهها و تصفیه آنها از دانشجویان هوادار در سازمانها و گروههای سیاسی، توانست ایران را به گورستان ساکت و آرام و دلخواه کفتاران مردمخوار و اهریمنان شب پرست عمابه به سر، تبدیل کند؟ فرض کنیم که آخوندها با زد و بند با دولتهای خارجی مانع برگزاری تظاهرات و اقدامات اعتراضی ایرانیان و هواداران مقاومت در خارج کشور شوند، با تظاهراتی که یکی پس از دیگری، به رغم حضور گله وار نیروهای بسیجی و سرکوبگر در این شهر و آن شهر در ایران رخ می دهد، چه کار می خواهند بکنند.

در طول سفر خاتمی ایرانیان معترض توانستند به اتومبیل خاتمی کیسه های رنگ بکوبند هزاران آفرین و دست مریزاد به آلهایی که در این اقدام شرکت داشتند، اقدامی که قاطعیت، تیزهوشی، خونسردی و تشخیص درست لحظه یک اقدام سریع را می طلبد. این یک شاهکار دیگر، مثل آن چه قبلا در رم و پاریس انجام شده بود، و حتی مهمتر از آن بود. چرا که پلیس آلمان حتما تجربیات شکست خورده همکاران خود در این کشورها را از مدتها قبل مورد مطالعه قرار داده و همه تدابیر را برای جلوگیری از تکرار آن در آلمان اندیشیده بوده است. این اقدام مسالمت آمیز اما به شدت تحقیر کننده، پاسخ مناسبی بود به کسانی که به خود اجازه می دهند بیشرمانه به آزار و رفتار توهین آمیز با انقلابیون و مبارزان راه آزادی بپردازند. این اقدام، همه خستگیها و فشارهای گوناگونی را که دوستان و هواداران مقاومت و ایرانیان آزاده به خاطر آن تظاهرات تحمل کرده بودند، از تنها به در و دلها را شاد کرد. بی مورد نیست یادآوری شود که در رابطه دولتها، آنچه اهمیت دارد منافع است و بقیه مسائل نسبت به این که چقدر به تامین این منافع کمک می کند یا آن را با مشکل رو به رو می کند سنجیده می شود. پذیرایی از دیکتاتورها و رهبران منفور، از سوی کشورهای اروپایی و کلا در بین دولتها، امر رایجی است که سابقه آن به قبل از قرن بیستم بر می گردد. در سال ۱۸۷۳ وقتی ناصرالدین شاه در اولین سفر به اروپا از راه روسیه وارد آلمان شد، ولیهم اول امپراطور و پرنس فون بیسمارک صراحتاً تجلیل زیادی از او کردند و این زمانی بود که آلمان با شکست دادن اتریش و فرانسه به امپراطوری بزرگی تبدیل شده بود. در این سفر، مثل سفر خاتمی، عهد نامه مودت و تجارت بین دو کشور به امضا رسید (۱۱ ژوئن ۱۸۷۳). قبل از ورود به آلمان، در روسیه نیز از ناصرالدین شاه در سن پترزبورگ استقبال شایانی به عمل آمده بود و تزار الکساندر دوم، نشان سنت آندره را که عالیترین نشان روسیه تزاری بود به او هدیه کرد. ناصرالدین شاه بعد از چند روز اقامت در بلژیک به وسیله رزمناو سلطنتی انگلیس که جهت مسافرت وی اعزام شده بود روانه لندن شد. در لندن نیز از او استقبال گرمی به عمل آمد و ولیعهد وقت انگلستان به مهمانداری وی تعیین شد. ناصرالدین شاه در قصر ویندسور با ملکه ویکتوریا ملاقات کرد و وی با دست خود نشان و حمایل زانو بند Garter را که عالیترین نشان انگلستان به شمار می رود به پیکر پادشاه ایران استوار نمود. با این همه، سرانجام، تیر خشم و کین مردم، از سلاح میرزا رضای کرمانی به جان ناصرالدین شاه مستبد آتش فشاند و او را به خاک هلاکت افکند و چندی بعد، تلاشهای آزادیخواهان بر علیه استبداد سلطنتی و ارتجاع مذهبی برای مدت کوتاهی هم که شده به ثمر رسید. بی تردید مردم ایران هم چنان که مبارزه

خود را با استبداد سلطنتی تا سرنگون کردن سلطنت استبدادی شاه مورد حامی همه قدرتهای استعماری و ارتجاعی در سال ۵۷ خورشیدی ادامه دادند، تا برچیده شدن سلطنت مطلقه فقیه و ایجاد دموکراسی و مردمسالاری در ایران از پای نخواهند نشست.

سالگرد تظاهرات دانشجویان

سالگرد تظاهرات دانشجویان در ۱۸ تیر و یورش وحشیانه نیروهای پاسدار ولایت خامنه ای به کوی دانشگاه، به رغم تلاشهای دستگاه امنیتی و انتظامی رژیم و دستگیری تنی چند از دانشجویان منتقد خاتمی و به رغم تلاشهای جناح ۲ خردادی و تشکل دولتی دفتر تحکیم وحدت و نیز به رغم اقدام مژورانه خامنه ای در کنار گذاشتن فرمانده نیروی انتظامی با تظاهرات و اعتراضات دانشجویان به عملکرد رژیم برگزار شد و نیروی انتظامی تحت فرماندهی پاسدار قالیباف فرمانده جدید، مثل همیشه نظاره گر یورش سگان پاسدار ولایت خامنه ای در لباس شخصی، به دانشجویان بود و این بار نیز دست آخر به ضرب و شتم و دستگیری دانشجویان پرداخت و عده زیادی را دستگیر کرد. دفتر تحکیم وحدت در یک اقدام ابلهانه، اعلام کرده بود که در سالگرد ۱۸ تیر، این روز را روز لبخند اصلاحات نام می گذارد و به مردم در میدانهای شهر تهران گل هدیه خواهد کرد. این اقدام از این نظر ابلهانه بود که اگر قرار بود اقدامی در نفی خشونت انجام گیرد، این کار را باید نیروی انتظامی و مبلغان و پیروان قتل عام درمانی می کردند، نه دفتر تحکیم وحدت، که ظاهراً اعضایش باید جز، «کتک خورده های آن رویداد باشند». دعوت تحکیم وحدت به اجتناب از برگزاری تظاهرات اعتراض آمیز در حالی صورت گرفت که مبلغان سرشناس اصلاحات و نفی خشونت، کسانی چون عبدالدین باقی، شمس الواعظین، عبدالله نوری در زندان حکومت عدل اسلامی، به سر می برند. وکیل مدافع دانشجویان مظلوم حادثه ۱۸ تیر، محسن رهامی به بهانه در اختیار داشتن نوار ویدئویی اعترافات یکی از اعضای عناصر حزب الله، در خیابان دستگیر و زندانی شده و نیز خانم شیرین عبادی، وکیل مدافع خانواده عزت ابراهیم نژاد، شهید رویداد حمله به کوی دانشگاه نیز به همین بهانه دستگیر شده و در زندان به سر می برد. در چنین

شرایطی لبخند اصلاحات نمی توانست پاسخی جز خشم و تمسخر از سوی دانشجویان مضروب آن ماجرا داشته باشد. دفتر تحکیم وحدت که در دو سه سال گذشته فعالیتهايش، بیشتر روی حمایت از خاتمی و انتقاد از عملکرد شورای نگهبان متمرکز شده بود، به نظر



می رسد دوباره در حال بازگشت به نقشی است که در آغاز این تشکل به خاطر آن شکل گرفت و پیدا شد یعنی جاسوسی و پرونده سازی علیه دانشجویان دگراندیش و توطئه چینی علیه آنها که این بار البته این نقش را بر علیه سایر تشکلهای موجود، مثل تشکلهای تحت رهبری طبرزدی و گروههای همسوی آن بازی می کنند. سیاست لبخند اصلاحات ان طور که از گزارشهای رسانه های فارسی زبان در گفتگو با دانشجویان شرکت کننده در برنامه توزیع گل برمی آمد، با احم و عدم استقبال مردم رو به رو شده و مردم به مبتکران این سیاست فهمانده اند که: «برو این دام بر مرغ دگر نه / که عنقا را بلند است آشیانه». چه طور ممکن بود در سالگرد یورش وحشیانه به کوی دانشگاه مردم لبخند اصلاحات را باور کنند در حالی که عربه کشان و چماق به دستان درنده خوی پاسدار ولایت هم چنان با آزادی عمل به ایفای نقش وحشیانه خود می پردازند و هنوز متهمان آن ماجرا محکوم نشده بودند و حمله به دانشگاه تبریز که به گفته شاهدان وحشیانه تر از حمله به کوی دانشگاه تهران بوده، به کلی به فراموشی سپرده شده و از سوی دیگر دانشجویانی که در این دو رویداد دستگیر و متهم به شرکت در آن بودند به حبسهای طولیل المدت محکوم شده اند. اما چیزی از روز برگزاری لبخند اصلاحات نگذشته بود که دانشگاه رسیدگی به رویداد کوی دانشگاه، با تیرنه کردن متهمان آن یورش وحشیانه، از جمله سرتیپ پاسدار نظری، باعث بور شدن گردانندگان دفتر تحکیم وحدت و خط دهندگان آنان شد و آنان سزای خود را به خاطر نمک پاشیدن به زخمهای دانشجویان مضروب و مظلوم آن حادثه دریافت کردند. خوانندگان نبرد خلق اگر به خاطر داشته باشند، در یادداشت و گزارش مربوط به رویداد ۱۸ تیر ۷۸ (نبرد خلق شماره ۱۷۰) که روز یکشنبه ۲۰ تیر دو روز قبل از سرکوبی و پایان آن نوشته بقیه در صفحه ۱۱

یادداشت و گزارش

بقیه از صفحه ۱۰

شد. یادآوری شده بود که... اگر مسأله از اعتراضات دانشجویی کنونی فراتر نرود و دانشجویان به همه یا قسمتی از خواستهایی که تاکنون مطرح کرده اند، دست بیایند، نتیجه سیاسی کوتاه مدت آن این است که تکلیف مجلس ششم روشن شده است. حتی می توان گفت اگر دانشجویان وعده و وعید مقامات رژیم را بپذیرند و به تظاهرات خود پایان دهند، باز هم تظاهرات چند روزه به اندازه کافی باید برای مقاصد رژیم هشدار دهنده بوده باشد که انفجار اجتماعی به هر بهانه ای ممکن است رخ بدهد. بنابراین، شورای نگهبان و جناح ولی فقیه چاره یی جز عقب نشینی در برابر جناح ۲ خردادی ندارد... اگر چه جناح ولی فقیه مجلس را از دست داد و شورای نگهبان نیز در به کار بستن نظارت استصوابی اندکی عقب نشینی کرد - که تایید صلاحیت بهزاد نبوی از آن جمله بود - اما مسأله به همان دلیل که در آن یادداشت برآورد شده بود، روی نداد. یعنی جناح هار، هائتر از آن بود (و هست) که واقع بین باشد و تن به قاعده بازی بدهد. بهانه شروع اعتراضات دانشجویان تعطیلی

روزنامه سلام بود و مطرح شدن طرح قانون مطبوعات توسط نمایندگان جناح هار در مجلس. قانونی که بر اساس سندی که سلام آن را منتشر کرده است ابتکارات سعید امامی، متهم اصلی قتل‌های زنجیره ای نبوی بود. برخی تشکیلات دانشجویی در طول تظاهرات، اختیارات ولی فقیه را نشان گرفته. محدودیت آن را خواستار شدند و فراتر از آن در تظاهرات خیابانی شعارهای تند علیه خامنه ای داده شد که خامنه ای حیا کن، سلنتنو رها کن و قاتلان فروهر، زیر عبای رهبر آن جمله بودند. جناح هار کمی بعد از رویدادهای تبر ماه، در اوایل مهر جنجال بزرگی بر سر نمایشنامه یی که در یسکه نشریه دانشجویی با ۱۵۰ انجمنهای اسلامی چاپ شده بود، به پا کرد. آیت الله های خونخوار حکم ارتداد و مهدورالدم بودن نویسنده نمایشنامه کنکور وقت ظهور، و دست اندرکاران نشریه را صادر کردند. این جا و آن جا دسته های کفن پوش راه افتاد و پاسدار نقدی آن آدمکش زنجیره پاره کرده و کف بر دهان عربده سر داد که

شخصاً هر طور شده، حکم الهی را که ریختن خون نویسنده نمایشنامه و دست اندرکاران نشریه است اجرا خواهد کرد حتی اگر آنها اکنون به زندان محکوم شوند و این کار نیاز به ۲۰ سال صبر کردن داشته باشد. چندی بعد از آن جنجال دیگری بر سر چاپ نامه یی در مخالفت با مجازات اعدام، در روزنامه نشاط بر پا شد که خامنه ای صاحبان چنین دیدگاهی را مهدورالدم دانست و در پی این جنجالها، روزنامه نشاط تعطیل شد. بالاخره دستگیری و محاکمه عبدالله نوری از آخرین اقدامات جناح هار قبل از انتخابات مجلس بود که برای جلوگیری از ضربه یی که احتمال فرود آمدنش را در انتخابات می داد، صورت گرفت. خامنه ای در تمام این اقدامات حامی و پشتیبان جناح هار بود. اما پائینیها با استفاده از فرصت انتخابات، ضربه سنگینی به جناح هار و ستون خیمه ولایت فقیه وارد کردند که جلوه بارز آن، شکست خفت بار و رسوایی رفسنجانی در انتخابات مجلس آخوندی بود.

دیروز و امروز محتشمی

از جلسه رویدادهای در خور توجه در تشدید تضادهای درونی رژیم آخوندی تعطیل شدن روزنامه بیان بود که توسط علی اکبر محتشمی وزیر اسبق کشور، منتشر می شد و احضار خود وی به دادگاه ویژه روحانیت است. جناب محتشمی مدتی سفیر رژیم در سوریه بود و منابع اطلاعاتی آمریکا او را سازمان دهنده حزب الله لبنان می دانستند. پس از این که در اثر انفجار یک بمب پستی دست و چشمش آسیب دید به ایران بازگشت و در دوره دوم نخست وزیر میرحسین موسوی وزیر کشور بود. وی در تصدی همین پست در سرکوبی پزشکان کشور که می خواستند انتخابات سازمان نظامی پزشکی را مستقل برگزار کنند و از آلودگی آن به انتخاب ابایدولویک، مانع شوند، بدون کمترین تردید و کمترین شرم و حیا پیشقدم شد و پزشکان بسیاری در پی این اقدام مضروب، مجروح و بازداشت شدند. او از هیچ تهمت و افترا یی به پزشکان کشور رویگردان نبود. در انتخابات دوره سوم مجلس که فشار امامیها به جناح فقه سنتی (جناح هار کنونی) به حد اکثر خود رسید محتشمی که وزیر کشور بود از حمایت کامل خمینی برخوردار بود و در اختلاف بین او و شورای نگهبان، خمینی به شورای نگهبان دستور داد صحت انتخابات را تایید کند. گویا محافل حزب الهی و خط امامی آن زمان به خاطر آسیبی در انفجار

بمب پستی به دست محتشمی رسیده بود، به او لقب «ابوالفضل انقلاب» داده بودند. محتشمی هم اکنون همصدا با جناح هار مخالف دادن اجازه فعالیت سیاسی به نهضت آزادی است و از این نظر جز نیروهای «ارژشی و اصول گرا» شمرده می شود. حجت الاسلام والمسلمین جناب علی اکبر محتشمی که حالا نسبت به اقدامات و عملکرد جناح رقیب در تعطیلی روزنامه های ۲ خردادی و روزنامه خودش، معترض است، در اواخر شهریور ۶۷ در دفاع از عملکرد خودش در سخنانی که در روزنامه کیهان ۲۲ شهریور ۶۷ چاپ شد، گفت: همه مردم در این چند ساله این نکته را تصدیق می کنند که سعی ما بر این بوده که هر چه بیشتر وحدت و یکپارچگی را در سطح کشور، با سیاستهایی که اتخاذ کردیم، ایجاد کنیم و اختلافات و تنشها را کم کنیم. جلو نامه نگاریها و مقاله نویسیها در روزنامه ها و جلوگیری از سخنرانیهایی که احیاناً مسئولان سیاسی برای دفاع از خودشان و یا به عنوان توضیح اشکالاتی که متوجه آنها می شود و در نتیجه این پاسخ گوئیها، تنشهایی در جامعه به وجود می آید بگیریم و این خود آرامش و فضای بسیار مطلوبی را برای جمهوری اسلامی به وجود آورده و کمک بسیار مؤثری بود برای این که کلیه مدیریتهای صنعتی، اقتصادی، کشاورزی و در رأس همه مدیریت جنگ و جبهه کمترین تنش را در جامعه داشته باشند. ملاحظه می کنید که فضای مطلوب و آرامش مورد نظر محتشمی در آن روزها، همان چیز است که امروز «مقام معظم رهبری» و جناح هار برای ثبات جمهوری اسلامی لازم می دانند. این که دیگر شکایت ندارد، قبل از همه اینها هم «همه با هم» در سرکوبی روشنفکران و روزنامه نگاران و تعطیلی روزنامه ها، هم رأی و همصدا بودند، در کشتار و زندانی کردن آزادیخواهان هم همین طور. اما روزگار حالا طور دیگری شده، الان آخوندها به جان هم افتاده اند و هر روز بیشتر از روز پیش به سر و کله هم می کوبند و آبروی نداشته یکدیگر را می برند. چه بهتر از این؟

۲۴ تیر ۷۹ (۱۴ ژوئیه)

زیرنویس

تاریخ روابط خارجی ایران - از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، تسالیف عبدالرضا هوشنگ مهدوی، چاپ سوم ۱۳۶۴، انتشارات امیر کبیر تهران

به یاد رفیق شهید جواد باقری

به یاد رفیقی که قبل از تیرباران به شدت شکنجه شد و با پاهای زخمی تیرباران شد

در تبریز بعد از شهید شدن موسی خیابانی و یارانش از شدت اعدامها کاسته شد و زندانیانی که زیر اعدام بودند به ابد یا ۱۵ سال و یا ۱۰ سال محکوم شدند. ولی رفیق جواد باقری را اعدام کردند. رفیق جواد برادر کوچک رفیق مسلم بود و در همان خانه ای که با رفیق شاپور ساجدی زندگی می کردند، توسط یکی از خودیها شناسایی شده و به دام پاسداران سرمایه افتاد. چون رفیق مسلم مسئولیت تبریز را به عهده داشت و با مهارت خاصی بعد از دستگیری از چنگال جلاان فرار کرده بود. رفیق جواد را سخت شکنجه کردند ولی او در اوایل تمام اطلاعات غلط در اختیار دژخیمان می گذارد ولی بعدها به ناچار مسئولیتهای خویش را قبول می کند. از خانه ای که این رفقا دستگیر می شوند حدود ۴۰۰ شماره روزنامه کار با دیگر مدارک و گزارشات شهرستانی، حتی وصیت نامه های رفقا به دست دژخیمان می افتد. وقتی من در تلاش بودم که از مسئولیتهای رفیق جواد بکاهم، جواد وصیت تقوی فوری وصیت نامه رفیق را جلوی من گذاشت که با این جمله شروع می شد: پاسداران سرمایه امروز یا فردا مرا تیرباران می کنند. جواد تقوی می گفت این کافر و دشمن انقلاب ۵۰۰ آدرس غلط در تهران تحویل ما داده و بچه های ما حدود شش ماه وقت هار داده اند. رفیق جواد را که به تهران و شمال بردند دیدم تا آخرین ملاقاتی که بامادرش داشت و ناصر آن بودم. چقدر جانکاه و جانگزا است شاهد همچو صحنه ای بودن، مادر تن پوش زیبای محلی به تن داشت همراه دختر ۱۲ ساله اش برای دیدار عزیز خویش وارد اتاق جواد تقوی شد. در آستینش سوغاتی شمال همان کلوچه های خوشمزه و مشهور لاهیجان را داشت. جواد تقوی اول با شناسنامه مادر ور رفت و مشکوک به

آن شد چون جای مهری نیافت. بعد فوری به اطلاعات منطقه شمال خبر داد که دختری به این نام و نشان در دست ماست. بعد خبر آخرین ملاقات را به گوش مادر رساند. مادر دو دستی از گردن پسرش آویزان شد. گریه سرداد. چهره اش خیس بود و فغان به پا نمود. جواد اجازه صحبت به زبان شمالی را نداد. دخترش حرفهای او را ترجمه کرد ولی مادر می خواست آخرین ملاقاتی با پسرش را با زبان خودش صحبت کند. مادر تن و پای پسرش را می بوئید. دستگیر شدن دختر بزرگش را نیز به رفیق جواد خبر داد. بعد از ۲۰ دقیقه جواد تقوی مادر را که اشک می ریخت از آغوش پسر به زور کنار کشید و از اتاق بیرون کرد و منتظر جواب اطلاعات منطقه شمال کشور شد. رفیق جواد در شهرستان لاهیجان فعال بود چون با فرمانداری شهر درگیر می شود تحت پیگرد قرار می گیرد و مجبور به فرار از شهر و دیار خویش می شود و در تبریز به ما پیوست و در بخش توزیع به فعالیت مشغول شد. رفیق جواد را اواخر پائیز ۱۳۶۰ دستگیر می کنند و اواسط خرداد ماه ۱۳۶۱ تیرباران می کنند. البته بیدانگاه لاهیجان خیلی سعی می کرد او را در لاهیجان در معرض عمومی به دار کنند ولی جواد تقوی وی را تحویل نداد. او را شب قبل از تیرباران در مسجد زندان خود جواد تقوی شکنجه می کند و رفیق با پاهای زخمی تیرباران می شود. رفیق مسلم ۳ یا ۴ ساعت زودتر از همان خانه تیمی که ما دستگیر شدیم. دستگیر شده بود ولی از مخوف ترین شکنجه ها خیمینی با هوشیاری تمام دستبند خود را باز کرده توسط نردبان اضطراری پا به فرار می گذارد و با آن سر شکافته شده از تبریز جان سالم به در برد. رسول

ادبیات ایران در هزاره دوم

نگاهی به گذشته و اشاره ای به هزار

سال مبارزه فرهنگی (۷)

- اسماعیل وفا یغمایی

بهبزادان پور و نداد هرمز

(ابومسلم خراسانی)

برافراشته شدن درفشهای سپیاه شورشیان سپاه جامه به فرماندهی بهزادان پورنواد هرمز (ابومسلم خراسانی) تنها به معنای پایان دوران هزار ساله سپیاه حکومت امویان نیست. سپیاه ابومسلم خراسانی با تمام صلابت و شخصیت شگفت و گاه پر ایهامش با تمامی نقاط تاریک و روشن و قابل تایید و گاه غیر قابل تاییدش بر سر گذرگاهی قابل تامل از راههای تاریخ ایران به چشم می خورد که ایران به سوی افقی دیگر و متفاوت با دوران قبل رهسپار است. جنبشهایی دیگر در اهنگ و در امتداد این راه گذر با دیده مطلق گرایانه به حوادث تاریخی نگاه نکنیم ایران دوباره در فرایند موسی از نهضت‌های مردمی و حوادث شگفت دیگر به سوی استقلال مجدد به پیش می رود. ابومسلم نامه ها. به خصوص ابومسلم نامه هایی که در عهد صفوی نوشته شده. به ابومسلم چهره یک قدیس مذهبی شیعه را داده اند. برخی از کسان نیز در وجود او شخصیت و رفتار یک ناسیونالیست متعصب ایرانی و ضد عرب را می جویند. اما واقعیت تاریخی چیست؟ در بسازد ابومسلم اختیار و اسناد فراوان ولی در موارد متعدد. ضد و نقیض اند. این قدر هست که او شاهد هوشیار و کینه ور شرایط سپاه دوران پایان اموی و فعل و انفعالات سیاسی و فکری دوران خود بوده است. ابومسلم سردی بود کوتاه قامت. گندمگون، با گیسوانی تا شانه و ریشی پر پشت. حافظه ای نیرومند داشت. زبان پارسی و عربی را به خوبی می دانست. به شعر علاقه بسیار داشت بسیار شجاع و با دشمنان تا حد قساوت بی رحم بود. ابومسلم سخت گستاخ و کینه جو بود و علاقی شدید به سرزمین خود و نترتی شدید از فاتحان سرزمین خود داشت. نوشته اند نه پیروزیها او را به شادی می کشانید و نه شکستها او را اندوهگین می کرد و در هر حال ثبات و استواری شخصیت خود را حفظ می کرد. کمتر می خندید و تنها در میدان جنگ و رو در روی دشمنان خنده ای شگفت بر چهره او پیدا می شد. بر خلاف شرایط عادی که در آن سیمایی جدی داشت. در هنگام لشکرکشیها بسیار شوخی می کرد. ایام جوانی را در سفرهای فراوان گذرانید. بر اساس برخی اسناد سالیانی را نیز در بردگی گذرانید. او در سال صد هجری تولد یافته بود و هنگامی که فرماندهی شورشیان ضد اموی را بر عهده گرفت با تجربه ای گران از زندگی پر ماجرای خود در آستانه ای سالگی قرار داشت. نوشته اند در آغاز او غلامی از مردم بنی عجل در خراسان بود. نام پدرش و نداد هرمز بود

که پس از اسلام آوردن نام عثمان را برای خود انتخاب کرد. نام مادر ابومسلم را وسیع نوشته اند. ابومسلم علیرغم علاقه فراوان به ایران و با این که برخی افسانه سازان نسب او را به قهرمانان شاهنامه و پادشاهان افسانه ای می رسانند فردی مذهبی و متعصب بود. کشتارهای او از دشمنان در میدانهای جنگ، و سربازان و سرداران اموی که بنا بر سیاست امویان از میان اعراب انتخاب می شدند، شورش او در خراسان مرکز شورش و نهضت‌های ایرانیان و سرانجام قتل او به دست دومین خلیفه عباسی به این گمان دامن زده است که او یکتا ناسیونالیست متعصب ایرانی بوده است. ابومسلم از لحاظ مذهبی یک شیعه عباسی بود. در آن هنگام در خراسان داعیان گروه‌های مختلف مخالفان بنی امیه، از جمله شیعیان علوی. شیعیان زیدی و شیعیان عباسی مردم را به امامان خود دعوت می کردند. رد کردن دعوت ابومسلم و ابوسلمه خلال از طرف ششمین پیشوای شیعیان و انداختن دعوت نامه ابومسلم در آتش از همین زاویه باید دید. بعد از این به این ماجرا اشاره خواهیم کرد. امام عباسیان در این دوران ابراهیم ابن محمد ابن علی عبدالله ابن عباس بود که سلسله نسبش با چهار واسطه به عباس عموی پیامبر می رسید. او در میان پیروانش به ابراهیم امام مشهور بود. و برای به دست گرفتن خلافت در نقاط مختلف. از جمله خراسان دست به فعالیت گسترده ای زده بود. ابراهیم امام در حقیقت دومین امام داعیه دار عباسی بود. قبل از او پدرش محمد دعوت را آغاز کرد و چون مرگش فرا رسید پسرش را به عنوان جانشین خود انتخاب کرد. بکیر ابن ماهان و ابوسلمه خلال از مبلغان مهم ابراهیم امام در خراسان بودند. ابومسلم در سن نوزده سالگی با بکیر ابن ماهان ملاقت کرد و در سلک هواداران و مریدان امام عباسیان درآمد و چندی بعد با ابراهیم امام ملاقات کرد. نام عبدالرحمان و کتیه ابومسلم را هم ابراهیم امام برای او انتخاب کرد. پس از بکیر ابن ماهان، ابوسلمه خلال جانشین او شد و ابومسلم توسط ابوسلمه با امام عباسیان در ارتباط بود. در خراسان آن روزگار ابوسلمه خلال و ابومسلم دو تن از قدرتمندترین و با نفوذترین منادیان شورش و انقلاب علیه دولت امویان بودند. ابومسلم در این دوران چهره نظامی و سپهسالار شورشیان و ابوسلمه خلال همدانی دانشمند و ادیب توانگر سیمای فکری و تئوریک دعوت ابراهیم امام را نمایندگی می کردند. اسناد نشان می دهند که ابوسلمه برخوردی دوگانه داشت است. از یک طرف او منادیگر عباسیان بود و از طرف دیگر به علویان گرایش داشت و همین دوگانگی سرانجام موجب قتل او شد. ماجرا به این قرار بود که ابراهیم مصحوب. پیکن مخصوص ابراهیم امام و ابومسلم طی یک مأموریت دستگیر شد و خیانت کرد و جواب نامه ابراهیم امام به ابومسلم را به مروان داد و مروان دانست ابراهیم امام با شورشیان خراسان در ارتباط است. تا آن هنگام ابراهیم امام این قضیه را قویا منکر می شد. بعد از

این ماجرا ابراهیم امام عباسی در فریه حمیمیه دستگیر شد و به حران فرستاده شد و پس از بازجویی و زندان جلدان آخرین خلیفه اموی سر او را در ظرفی پر از نوره فرو بردند و او را کشتند. ابراهیم قبل از مرگ، برادرش سفاح را به امامت عباسی انتخاب و معرفی کرد. قتل ابراهیم ابوسلمه را دچار تزلزل کرد. او در حالی که در پنهان کردن سفاح و برادرش منصور و نجات آنها از دست مأموران مروان می کوشید: به فکر افتاد از قدرت و نفوذ گسترده شیعیان علوی در خراسان استفاده کرده و با دعوت امام ششم شیعیان برای به دست گرفتن رهبری شورش، امویان را در هم بکوبد. ولی این دعوت رد شد و افشای این راز کینه سفاح و منصور را علیه او برانگیخت. در برخی اسناد اشاره شده که ابومسلم باعث افشای این راز گردید در هر حال قتل ابراهیم امام با آن وضع فجیع بر اقبال عباسیان در میان هوادارانشان افزود. با این همه هنگامی که پرچم شورشی خونین و گسترده علیه امویان برافراشته شد تنها هواداران امامت عباسیان نبودند که علیه امویان شمشیر کشیدند. در میان شورشیان از هر سرزمین و با هر اعتقاد افراد زیادی وجود داشتند. در حقیقت نیروهای شورشی در لحظه نهایی طیفهای گسترده ای از مردمان مختلف و ایرانیانی بودند که اعتقادات مختلفی داشتند ولی در ناپودی حکومت اموی متفق بودند. رهبری نیروهای سازمان یافته این شورش به خصوص با وجود ابومسلم چهره بی رقیب و بسیار قدرتمند این شورش تاریخی در دست عباسیان بود. به همین علت و پیش از این که به لحظه اعلام رسمی شورش و برافراشتن پرچمهای سپیاه در روستای کوچک سفیدتنم برسیم. نگاهی هر چند گذرا ما را بیشتر با اوضاع این مقطع مهم از تاریخ ایران آشنا می کند.

نگاهی به جریانهای سیاسی و

فکری دوران ابومسلم

در دوران او اصلی ترین جریانهای فکری و سیاسی، مرجئه، جبریان، قدریان، معتزلیان، غالیان، پیروان جعفر ابن محمد، امام صادق ششمین پیشوای شیعیان، کیسانیه، شیعیان عباسی، خوارج و شیعیان شورشی زیدی بودند. به جز اینها می توان از دهها فرقه گروه ریز و درشت دیگر و گاه با افکار و نظریه های سرگیجه آور و صوفیانی نام برد که هر یک در گوشه ای و با عده ای روزگار می گذراندند ولی اکثرا فارغ از دنیای پر کشاکش آن ایام به کار تئوریک مشغول بوده و خود را به درد سر نمی انداختند. در حقیقت دوران پایانی اموی از زاویه افکار و اعتقادات مذهبی و سیاسی شبیه به موزائیکی متشکل از دهها تکه ریز و درشت و رنگین است که بر هر تکه ریز آن ماجرای گروهی و بر هر تکه درشت آن حکایت جریانی نوشته شده است.

مرجئه و جبریان

در میان این گروهها، مرجئه اعتقاد داشتند که فسق منافعی با ایمان نیست و

هر کس به خدا و کتب آسمانی اعتقاد دارد مومن و مسلمان است. جبریان اعتقاد داشتند چون تمام اعمال ناشی از اراده خداست بنسبایرین خیر و شر و ارزش گذاری آنها کاری یابود است. اراده الهی نهر و انسان سنگ آسیا و مجبور به چرخیدن است. مرجئه و جبریان از نظر سیاسی از زمره گروههای راست گرا و مورد پذیرش خلفای وقت بودند. این گروهها در شرایطی که ابومسلم سوادای قیام در سر داشت نمی توانست مورد اتکای او قرار گیرد. به جز این بنا بر نوشته برخی مورخان تفکر جبریان از بنای زرتشت که انسان را رقم زنده سرنوشت خود و یاری رساننده نیروی خیر در جدال با شر می دانست در تضاد جدی بود و در میان اندیشمندان ایرانی به خصوص در خراسان خریداری نداشت.

قدریان و معتزله

در مقابل جبریان، معبد جهنی با الهام از اندیشه های کین ایرانی و استفاده از اندیشه های یکی از متفکران ایرانی به نام سنوبیه مکتب قدریان را بنا نهاد و اعلام کرد انسان در کارهای خود قادر مطلق است و خداوند کارهای بندگان را به خودشان وا گذاشته. معبد جهنی در سال هشتاد هجری به دست حجاج به قتل رسید. پس از او شمار دیگری مانند غیلان دمشقی و یوسف سوزاری و جمعی از این در هم این اندیشه را دنبال کردند. اندیشه قدریان از آنجا که با عقاید اهل حدیث و سنت در تضاد بود اعتراض و خشم برخی صحابه پیامبر را که هنوز زنده بودند برانگیخت و کار به تکفیر و لعن آنها کشیدو قدریه در وضعیتی قرار گرفتند که کسی به آنها سلام نمی کرد. به عیادت بیمارانشان نمی رفت و در نماز مرد گانشان حاضر نمی شد. نفرت عموم از سویی و قتل سران قدریان. معبد جهنی، غیلان دمشقی و جمعی از این در هم، آنها را در وضعی قرار داده بود که رفتن به سوی آنها برای ابومسلم سودی در بر نداشت. بعدها اندیشه های این گروه توسط واصل ابن عطا، یکی از سناگردان حسن بصری (از دانشمندان و صوفیان و مراجع مذهبی قرن اول هجری) و از اقطاب فکری آن روزگار - ۲۱ تا ۱۱۰ هجری) رقیق تر شده و فرقه مهم معتزله را به وجود آورد که تبدیل به یکی از بزرگترین مکاتب آن روزگار شد و تا استیلای مغول در نقاط مختلف پا بر جا بود. این مکتب فکری بعدها با تغییراتی که در آن صورت گرفت و با مخالفت‌های فکری اشاعره (انشاعیون) از معتزله به رهبری ابوالحسن اشعری (۳۶۰-۲۰۴) و مخالفت‌های متکلمان شیعه از بید رفت ریشه های اولیه قدریه و معتزله آبشخور ایرانی داشت. اصول پنجگانه معتزله عبارت بودند از ۱- توحید ۲- عدل ۳- صداقت خداوند در وعده هایش و عدم آمرزش کسانی که گناه کبیره مرتکب شده و بدون توبه از دنیا بروند ۴- المنزله بین المنزلتین. یعنی انسان نه خیر مطلق است و نه شر مطلق. نه

نگاهی به گذشته

قرن بیستم (۲)

— اسد طاهری

مرور این یادآوریها اهمیت بسیار دارد. چون یادآور آن است که چرا ما کمونیست انقلابی شویم و مأموریت تاریخی ما چقدر مهم است. از آن گذشته یادآور بعضی از اصول بنیادی می باشد چون انقلاب تنها راه حل نظامی بورژوازی و حامیانشان است. این رژیمها محو و ذوب نخواهند شد. بر جسد حجیم خود سقوط خواهند کرد و به آسانی از میان نخواهند رفت و طبقه حاکم به خطاهای خود پی نبرده و تسلیم نخواهد شد. این نظامها را باید کنار زد و باید در یک مسیر انقلابی کنار زده شود. طبقه کارگر و متحدان سندیده اش تنها نیروی خلقی قادر به انجام این تکلیف هستند. اما نیاز به رهبری و عناصر پیشگام. به خصوص در سازمانی انقلابی و پیشرو دارند که به نظریه های انقلابی مجهز باشند.

اتحاد جماهیر شوروی چه بود؟

این کشور نتیجه اولین انقلاب موفق طبقه کارگر و طلوع جهان سوسیالیستی بود که سرانجام به رسمیت شناخته شد گرچه معمولاً آن را سوسیالیست می خوانند ولی هنوز به مفهوم کامل سوسیالیسم دست نیافته بود. انقلاب سال ۱۹۱۷ حاکمیت سرمایه را ملغی کرد. اقتصادی برنامه ریزی شده و مالکیت اجتماعی وسایل تولید بود رایج و در مسیر ساختار سوسیالیسم حرکت می شد شوروی دارای ۱۶ جمهوری مستقل. ۲۰ منطقه خودمختار. ۱۰ ناحیه ملی بود. متحد ساختن بیش از ۱۰۰ ملیت متمایز تحت یک دولت کارگری با حقوق برابری همه ملیتها یکی از پیشرفت‌های قراردادهایی با مردم مستعمرات سابق روسیه تزاری گردید. در سال ۱۹۲۲ اتحاد جماهیر شوروی به طور رسمی تأسیس شد، قوانین نژادپرستانه و ضد نژاد سامی از میان رفت. این اولین انقلاب بزرگ و نخستین اقدام تاریخی در این زمینه در جهان بود.

در ۷ نوامبر ۱۹۱۷. بلشویکها و خلق روسیه توانستند دولت کرنسکی را سرنگون کنند و تمامی جهان برای همیشه دگرگون شد. کارگران، دهقانان و زحمتکشان قدرت را به دست گرفتند. ولی از همان روز نخست انقلاب تحت حمله های هولناک امپریالیسم قرار گرفت. این امر اهمیت زیاد دارد آن را باید به یاد داشت. هرگز به این انقلاب اجازه زندگی و پیشرفت در صلح و آرامش داده نشد. در سالهای ۱۹۱۸ تا ۱۹۱۹. طی چند ماه پس از پیروزی انقلاب. ۱۴ ارتش امپریالیستی به این کشور حمله کردند. آنان مصمم به نابودی بلشویکها بودند. در ضمن ضدانقلابیون روسیه به نام ارتش سفید دست به ارباب و ترور توده ها که پشتیبان ارتش سرخ و بلشویکها بودند. زدند.

جنگ برای حفظ حیات

این انقلاب جوان برای ادامه حیات خویش می جنگید. بین سالهای ۱۹۱۷ تا

۱۹۲۰ که جنگ داخلی ادامه داشت. با وجود اقتصاد از هم پاشیده. کارهای بزرگ بسیاری صورت گرفت. زمینها آزاد و سه دهقانان واگذار گردید. برای آموزش مردمی که در دوران تزار در بیسوادی کامل به سر می بردند. مدارس به زبانهای مختلف احداث گردید.

انقلاب در سطح بین المللی الهام بخش میلیونها کارگر و مردم ستمدیده در سراسر جهان گردید تا برای انقلاب خویش مبارزه کنند. جهانی برای پیروزی در مقابلشان بود. از سال ۱۹۱۷ و طی دهه ۱۹۲۰. احزاب کمونیست در دهها کشور و در هر قاره شکل گرفتند. البته جنگ داخلی به قیمت گزافی برای این کشور تمام شد. در سال ۱۹۲۰. اقتصاد کشور به ۱۳ درصد سطح اقتصاد قبل از جنگ نفوذ کرد. ۷ میلیون جمعیت در اثر جنگ و قحطی از میان رفتند. ضد انقلابیون شکست خوردند و سربازان امپریالیست از کشور بیرون رانده شدند.

در سال ۱۹۲۹. وقتی بازار سهام امپریالیسم سقوط کرد و جهان سالها دچار رکود اقتصادی شدیدی شد اولین برنامه پنجساله در شوروی به مرحله اجرا درآمد. هدف این برنامه بالا بردن تولید برای پاسخگویی به نیازهای اساسی مردم بود. از سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۸۵. اتحاد جماهیر شوروی هرگز دچار رکود اقتصادی نشد. البته به جز سالهای تنه‌ام آلمان نازی به آن کشور. این کشور هرگز شکست اقتصادی را تجربه نکرد چون به بازار بی اعتبار کاپیتالیستها وابسته نبود و اعتماد نکرد. در سال ۱۹۴۱ هنگامی که آلمان نازی بهار خشم وحشیانه فاشیستی خود را پاره کرد و به اتحاد جماهیر شوروی حمله کرد تنها ۲۴ سال از آغاز جمهوری می گذشت با این وجود کشور از نظر اقتصادی و سیاسی به حد کافی رشد یافته بود که ملتش بتوانند با ماشین جنگ فاشیستها بجنگند و آنها را شکست دهند.

تجاوز و حمله نازیها برای شوروی بسیار گران تمام شد. ۲۷ میلیون نفر از مردم این کشور از میان رفتند که نیمی از آنها افراد عادی و غیر نظامی بودند. آلمان نازی ۷۵ درصد از صنایع شوروی را ویران کرد. با این وجود در خاک این کشور شکست خورد. دولت شوروی هیچ گونه کمکی از غرب دریافت نکرد و باز در دهه ۱۹۷۰ دومین مقام اقتصادی را در جهان بعد از آمریکا به دست آورد. دستاوردهای این کشور با وجود جمعیتی معادل آمریکا و یک سوم ظرفیت اقتصادی آن کشور بسیار شایان توجه است. در قانون اساسی. حق داشتن کار برای تمامی کارگران و آموزش و بهداشت رایگان برای همه افراد تضمین شده بود. قیمت مواد غذایی طی پنجاه سال ثابت ماند. کرایه مسکن درصد کوچکی از درآمد را تشکیل می داد. به زنان کارگر یک سال مرخصی با حقوق بعد از زایمان تعلق می گرفت.

ولی چرا اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ با وجود تمامی این پیشرفت‌های فوق العاده سقوط کرد؟ اولاً برای آن که هرگز به این کشور اجازه و فرصت پیشرفت و ترقی در صلح و آرامش داده نشد. این کشور طی ۷۴ سال با جنگی بی ترحم و آرامش ناپذیر و محاصره اقتصادی و نظامی روبرو بود.

عوامل داخلی

ولی نباید گفت که سقوط اتحاد جماهیر شوروی صرفاً ناشی از عوامل خارجی بود. تجزیه و تحلیل گرایشهای منفی در حزب کمونیست این کشور که طی دهها سال رشد کرده بود در این برنامه مختصر نمی گنجد. رشد این گرایشها در نهایت به تصمیمگیری سال ۱۹۸۵ انجامید که طی آن گروهی در رهبری حزب کمونیست به رهبری میخائیل گورباچف قدرت را از دست حزب خارج ساختند. در این زمان رهبری حزب به دو جناح تقسیم گردید. جناح گورباچف که خواهان واگذاری امتیازاتی به امپریالیسم بود. وجود بلوک شرق و کشورهای سوسیالیستی اروپا و نیز برنامه ریزی اقتصادی مرکزی را به رسمیت نمی شناخت این جناح در ضمن خواهان برقراری مالکیت خصوصی در کشاورزی بود. جناح دیگر که رسانه های غربی از آن به نام جناح محافظه کار نام می برند خواهان وضع موجود بود.

پس از گورباچف. بزرگترین عناصر ضدانقلابی به رهبری بوریس یلتسین از حمایت کامل اجتماعی. اقتصادی. سیاسی و نظامی آمریکا و تمام اعضا، ناتو برخوردار بودند.

جدایی در حزب کمونیست تأثیری فلج کننده ای بر طبقه کارگر شوروی داشت که طی این مبارزه مرگ و زندگی منفعلس باقی ماند. واقعیت انفعال توده های کارگر در این موقعیت خطیر، نتیجه دهها سال رهبری نادرست سیاسی بود و تمامی رهبران حزب را باید مسئول آن دانست. حتی در تاریخ سرنوشت ساز اگوست ۱۹۹۱. وقتی جناح خواهان سوسیالیستی از رهبری حزب رانده شد و یلتسین با پشتیبانی آمریکا قدرت را به دست گرفت باز توده ها کناری ایستادند. این لحظه پیروزی ضد انقلاب بود که چهار ماه بعد از آن اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از هم پاشید و تجربه شکست و رنج طبقه کارگر در این واقعه باورنکردنی است. بنا به گفته فیدل کاسترو. این شکست. دردناکترین رویداد در تاریخ طبقه کارگر و زحمتکشان است.

شکست اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی دلیل بی اعتباری سوسیالیسم نیست. شکست یک اتحادیه تجاری حتی اگر کارگزارش موجب آن بوده باشند. نیاز کارگران را به اتحادیه از میان نمی برد. از حامیان اتحاد جماهیر شوروی هستم ولی در ضمن به مشکلاتی که با آن روبرو بود. کمبودها و نقایصی که باید بر آن غلبه می کرد آگاهم. من حامی کوبا، چین. کره شمالی و کشورهای کارگری دیگر هستم. یقین و اعتقاد من به پیروزی حتمی سوسیالیسم بر مبنای وجود هیچ کشور خاصی نبود و نیست. بلکه بر مبنای تحلیل مارکسیستی پیشرفت جامعه در کل و کاپیتالیسم جهانی به طور اخص قرار دارد. شرایط و پیشرفت‌های انقلابی که ظهور اتحاد جماهیر شوروی را ممکن ساخت در همه جا وجود دارد. نظامهای بورژوازی در سراسر دنیا رفتنی است چون هرگز قادر به پاسخگویی نیازهای مردم نیست. قرن بیستم به عنوان قرنیه که در آن سوسیالیسم تولد یافت [انقلاب روسیه] به یاد خواهد ماند. نه به عنوان قرنیه که سوسیالیسم در آن مرد.

ادبیات ایران در هزاره دوم

بقیه از صفحه ۱۲

مجبور مطلق است و نه مختار مطلق و بنا بر این نام کافر یا مومن را بر کسی که مرتکب کبیره بشود نمی توان نهاد. چنین کسی از صف کافر و مومن خارج است و اگر بدون توبه از جهان برود به دوزخ خواهد رفت. به دلیل اعتقاد به همین اصل بود که واصل ابن عطا بااستادش حسن بصری اختلاف پیدا کرد و از او دور شد و چون حسن بصری گفت اعتزلی عننا (از من کناره گرفت) پیروان واصل ابن عطا به معتزله معروف شدند ۵- امر به معروف و نهی از منکر با هر وسیله.

در میان معتزله دانشمندان و نام آوران زیادی پیدا شدند. در آغاز دوزادهمین خلیفه اموی یزید ابن ولید ابن عبدالملک که مادرش شاه افرید شاهزاده ساسانی بود این مکتب فکری را پذیرفت و معتزله به نوعی با حکومت وقت در پیوند قرار گرفتند. در همین جا می توان درک کرد که معتزله نمی توانستند در زمره یاران شورشی ابومسلم قرار گیرند. از سوی دیگر بنا بر شمار قابل توجهی از اسناد. زید ابن علی شورشی نام آور و بی باک دوران امویان از زمره کسانی بود که افکار و اعتقادات معتزلی داشت. در برخی از اسناد مذهبی این مسأله و این که پیشوا پنجم شیعیان زید را به خاطر پیروی از واصل ابن عطا پیشوای معتزلیان مورد ملامت قرار داده، رد شده است. اما در این تردیدی نیست که زیدیان به طور کامل الهیات اعتزالیان را پذیرفته اند.

بعدها و در قرنهای بعد در زمان عباسیان معتزله در زمره اندیشمندان مورد توجه خلفا مخصوصاً مامون ششمین خلیفه عباسی (۱۹۸ تا ۲۰۸ هجری) که خود معتزلی بود قرار گرفتند و زمام امور به دست فقها و علمای آنها افتاد و این داستان تا سال ۲۳۲ هجری که متوکل نهمین خلیفه زمام امور را به دست گرفت و کار را به دست علمای حنبلی سپرد ادامه یافت.

معتزله بعد از سال ۲۳۲ مدتها دوام آوردند و سرانجام اختلاف اشعریان با معتزله در اصول عقاید و اختلاف شیعیان با معتزله از نظر سیاسی. و سالخوردگی مکتب و سرام اعتزالی به شاخه هایی چون واصلیه. جزئیات. نظامیه. جاحظیه. هشامیه و پانزده شاخه دیگر و ذوب شدن این مکتب در سایر مکاتب، روزگار آن را به پایان رسانید. (ادامه دارد)

آنان که با مردمند پویاترند

روح انگیز زمانی
بار دیگر سفر خاتمی با
فضاحت تمام روبرو شد و این سفر
نیز به مانند سفرهای دیگر این
سرکرده اصلاح طلبان دروغین
(شریک بلانمانز ولی فقیه در کشتار
و غارت مردم ایران) با تنفر شدید
هموطنان تبعیدی در آلمان روبرو
شد. زنان و مردان، دختران و
پسران و حتی کودکان خردسال به
همراه والدین خود چنان خشمگین
و مصم بودند که ریزش شدیدی
بازار، تهدید و بگیر و ببند
پلیسهای با اونیفورم و بدون
اونیفورم آلمانی نه تنها آنان را از
میدان به در نکرد بلکه ثانیه به
ثانیه نیز به تعداد آنانی که از این
ملای حيله گر و کودن تنفر دارند.
اضافه می شد. گفتنی است که این
انسانهای دردمند به حمایت از
قیام قهرمانانه مردم آبادان،
پیرانشهر، مشهد، اسلام شهر،
تهران، رشت و تمامی شهرهای
ایران و نیز به عنوان همبستگی با
قیام بزرگ دانشجویان کشورمان در
۱۸ تیر سال گذشته در روز دوشنبه
۲۰ تیر (۱۰ ژوئیه) در جلوسوی
دروازه ورودی شهر برلین و در زیر
رنگبار باران، توفنده و استوار و با
مشتهای گره کرده فریاد می زدند
خاتمی نماینده مردم ایران
نیست، خاتمی باید به گورستان
برود. خاتمی یک تروریست
است. خون مردم بی گناه آبادان
هنوز از لبان و دستان او پاکت
نشده، او به دروغ و با بی شرمی
تمام با نقاب اصلاح طلبی پا در
کشورهای اروپایی می گذارد ولی در
این سه سال زمامداریش هیچ گونه
زفرمی نکرده و نمی توند بکند و وو.
ایرانیان آزادان در آلمان از مدتی
پیش در تدارک این گردهمایی
عظیم بودند و در روز موعود با تمام
بگیر و ببندهایی که توسط پلیس
آلمان صورت گرفت به گفته
خبرگزاری فرانسه بیش از ۷ هزار
نفر در براندن بزرگرتور برلین گرد
هم آمدند تا همصدا با مردم ایران
که در حصار و بند خامنه ای و
خاتمی گرفتار هستند و از حق هر
گونه اعتراضی محروم، مردمی که
از کوچکترین امکانات زندگی و
حتی آب آشامیدنی محرومند،
مردمی که جوانانشان را در روز
روشن به گلوله می بندند و می
کشند و تازه قاتلان نیز آزادانه می
گردند و یا در به اصطلاح دادگاه
رژیم تبریته می شوند و مقام و
منصب نیز می گیرند تا باز هم
جوانان برومند ایران را بیشتر به
حاکم و خون بکشند. جنایاتی که
رژیم قرون وسطایی ولایت فقیه از

بیست سال به این طرف بر سر
زحمتکشان ایران از کوچک و
بزرگ روا داشته آن چنان بزرگ و
دلخراش است که بر هیچ یک از
مردم دنیا و نیز از دید هیچ یک از
صاحب منصبان اروپایی و
آمریکایی پوشیده نیست مخصوصا
یکی از جنایات رژیم حاکم بر
ایران در همین شهر برلین و در
رستوران میکونوس رخ داد به
طوری که باعث قطع ارتباط موقت
بسیاری از کشورها با رژیم ایران
گردید و بر همه این جماعت میرهن
شد که رژیم ایران یسکه رژیم
تروریستی است. چیزی که مردم
زجر کشیده ایران چه در داخل
کشور و چه در خارج کشور از
بیست سال پیش تا کنون به همه
جهانیان گفته و می گویند ولی
حالا به چه دلیل این زورمداران
آلمانی و در رأس آنها صدراعظم
آلمان چشمشان را بر همه جنایات
رژیم ملایان در ایران بسته اند
امری است کاملا واضح. این
جماعت نیز کاملا آگاه و واقفند که
از عمر حاکمان ایران چند صباحی
بیش نمانده و به همین خاطر و در
اصل به خاطر منافع طبقاتی خود
قصد دارند به هر قیمتی که شده
همپالگیهای خود در ایران را سر پا
نگه دارند، از طرفی نیز در این
خیال بودند که ایرانیان تبعید شده
رامی توانند با اذیت و آزارهای
عدیده خود و یا از طریق تبلیغات
بورژوازی از صحنه مبارزه دور کنند
و یا این که لااقل کاری کنند که
ایرانیان خارج از کشور دست از
حمایت از مبارزات و مطالبات بر
حق مردمشان در ایران بردارند و
در این میان نیز رژیم ولایت فقیه
نیز از هیچ دسیسه و ترفندی
فروگذار نکرد تا به جهانیان و
مخصوصا به مردم ایران القاء کند
که ایرانیان خارج از کشور مردم
ایران را رها کرده اند و خود را به
دشمنان مردم فروخته اند و از این
یاوه ها. ناگفته نماند که در این
میان عده ای که در گذشته و از
همان ابتدا صف خود را از مردم
جدا کردند و خود را به رژیم ایران
فروختند امروز نیز در خارج از
کشور به همان شغل شریف خود
مشغول هستند و تبدیل به
بلندگهای تبلیغاتی رژیم رو به
زوال و زریپرستان اروپایی و
آمریکایی شده اند و برای منزوی
کردن مردم در این جا شعار می
دهند که باید سیاست را رها کرد
چون سیاست پدر و مادر ندارد.
ولی با تمام این دسیسه هایی که
برای جدا کردن حامیان مردم ایران
در خارج از کشور به کار بستند.
دیدند و دیدیم که چگونه ایرانیان
در آمریکا، فرانسه، ایتالیا و دیگر
نقاط جهان دست به اعتراض و
افشا رژیم ایران و سیاستهای

در انتظار تو*

— ب. محله

انجیرین
آن تکه درخت پیر تناور
که در وسعت حیات کوچک خانه ات
جا خوش نموده بود آن زمان
آری هنوز هم استاده است او
[چشم به در.
در انتظار نسیمی ست شاید
تا بوی تو را به او برساند.
عطر نگاه لطیف ات را
هنوز به خاطر سپرده است شاید.
آنکه که با شتاب می آمدی
[خنده کنان
گیسو فتاده، بی نیم نگاهی حتا به او
از زیر سایه ی پنهانورش رد می شدی
و او تنها رایحه ی نگاه ات را
آرام سر می کشیدی.

ای نازنین!
اینکه اما قدش خمیده است.
چشم اش ولی هنوز به در.
با صد هزار پرند ی عاشق
[در شاخ - و - برگهای او ماوی کنان
چشم انتظار تو!
چشم انتظار شمایان!

آن روز
آن روز گرم خونی تابستان
که ماه
ماه چشمان خامش و مبهوت خویش را
بر وسعت تباهی و بر عمق ابتذال
فرو می بست ز شرم.
و خورشید
آب می شد و
قطره قطره قطره
فرو می چکید چون خون
بر قامت سترگ تو
بر قامت سترگ شمایان
ابر دار
تا امام جهل - و - جنایت
و لشکریان اش
رخساره های تان را
در واپسین دم حیات نیز
گلگون ببینند.

و ستاره گان
ستاره گان روشن و رنگارنگ
خوشه خوشه خوشه
فرو می آمدند از آسمان
تا چون زمرود و الماس
بر گیسوان تو
بر گیسوان شمایان بدرخشند.

و آن پس، ابر
ابر کیود باران خیز
بر خاک تفت و تشنه رگبار می فرستاد
تا ریشه های نهال نازک تان سیراب گردد.

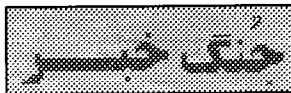
او مانده بود خیره به در
و آمدن تو را انتظار می کشید.
هنوز هم ایستاده است او
خیره به در
در انتظار تو!
در انتظار شمایان!

ژوئن ۲۰۰۰

— برای مجاهد شهید سوسن شادمانی. و به یاد شهدای
فدایی و مجاهد و همه مبارزان شهیدی که در شهریور
۱۳۶۰ به دست رژیم جمهوری اسلامی به شهادت
رسیدند.

یک نامه و یک توضیح از جانب نبرد خلق

بخشی از نامه های رسیده
 - خانم مدینه منصوری مطلبی با عنوان «سالگرد تیر ماه گرمی باد» در تیر ماه بر من چه گذشت» برای نبرد خلق ارسال نموده اند. از این دوست عزیز تشکر می کنیم.
 - آقای امیر اندام پور از آلمان، مطلبی کوتاه با عنوان «رشد آگاهی و شناخت هر چه بیشتر نیروهای دموکرات» برای نبرد خلق ارسال نموده اند. از همکاری ایشان تشکر می کنیم.
 - آقای میران شعری با عنوان «دیوار شیشه ای» فرستاده اند. از همکاری ایشان تشکر می کنیم.
 - آقای بابک از هلند، نامه ای افشاگرانه در رابطه با فشار وزارت اطلاعات رژیم بر روی خانواده های پناهندگان برای بازگشت آنان به ایران، برای نبرد خلق ارسال نموده اند. از توجه این دوست عزیز تشکر می کنیم.
 - آقای محسن از هلند ۱۰ گلدن هزینه اشتراک دریافت شد.
 - آقای رشادت از کانادا، ۳۰ دلار هزینه اشتراک دریافت شد.
 - آقای نژادی، چک شما دریافت شد.
 - خانم آناهیتا از سوئد ۱۰۰ کرون کمک مالی



اخبار روز را در آدرس زیر بر روی اینترنت مطالعه کنید.

http://www.geocities.com/jong_khabar

گزارشهای تظاهرات علیه سفر خاتمی به آلمان را به صورت صدا در جنگ خبر بشنوید
 اطلاعیه ها و اخبار را برای اطلاع دیگران به آدرس زیر ارسال کنید.
jong_khabar@yahoo.com

انتشارات نبرد خلق و سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

- ۱- تداوم (گفتگوی علی ناظر یا مهدی سامع)
- ۲- جنبش پیشتاز فدایی در آستانه قرن بیست و یکم (سخنرانی مهدی سامع در آمریکا و کانادا)
- ۳- تاریخ سی ساله سیاسی اثر بیژن جزینی
- ۴- چگونه مبارزه مسلحانه توده ای می شود اثر بیژن جزینی
- ۵- ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقاء اثر امیر پرویز پویان
- ۶- سرنگونی رژیم و ضرورت دولت موقت از مهدی سامع
- ۷- دموکراسی شرط اساسی انتقال قدرت به مردم - طرحهای شورای ملی مقاومت
- ۸- پیرامون تبعیض جنسی، مذهبی و ملی
- ۹- سنگر مقدم - لنینیسم از منصور امان
- ۱۰- بیانیه اعلام برنامه (هویت) سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
- ۱۱- منشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
- ۱۲- بحران در جنبش کمونیستی ایران - راه حل برون رفت از آن و نقش ما
- ۱۳- چه کسی بر سر دوراهی قرار گرفته است - برای ثبت در تاریخ، از مهدی سامع
- ۱۴- مجموعه مقالات از منصور امان
- ۱۵- زنان ایران در مبارزه برای برابری جنسی از زینت میرهاشمی
- ۱۶- سوسیالیسم و سندیکاها
- ۱۷- سوسیالیسم از عهد مارکس به بعد و جنبش بین المللی سندیکاها
- ۱۸- نویسنده: ماکس آدلر، مترجم: کریم قصیم
- ۱۹- گفتگو با مارگرت میچرلیش، مترجم: کریم قصیم

آقای کابلی طی نامه ای به تاریخ ۱۱ ژوئن ۲۰۰۰ نسبت به چاپ نامه آقای بیرنگ کوهدامنی در شماره ۱۳۹ نبرد خلق ما را مورد انتقاد قرار داده اند و از این که ما نقد این نامه را که در شماره ۴۸ مجله پیام زن چاپ شده مورد توجه قرار نداده ایم اظهار تعجب و تأسف کرده اند و نوشته اند: «اگر بگویید که از ماهیت این فرد خبر نداشتید بلافاصله سؤال این است که بعد از انتشار مطلبی در «پیام زن» (شماره ۴۸ - سال ۱۹۹۸) عکس العملتان چه بود؟» آقای کابلی که خود افغانی هستند در همین نامه نوشته اند که: «دوستان ایرانی متأسفانه آگاهی ناقصی از وضعیت این دسته روشنفکران افغانستان دارند و چندین نشریه بیرون مرزی را دیده ام که لااقل آنان را به چاپ رسانده اند. ولی آرزوی منم «نبرد خلق» در آینده اجازه ندهد که صفحاتش به میکروپ افشانی درخیمان آزادی و شرف انسانیت اختصاص یابد.» آقای کابلی همچنین نوشته اند که: «به نظرم نبرد خلق توهینی به توده های افغانستان روا داشته که لازم است با انتشار تذکری این بار ذلت را از دامنش بزداید و به مردم ما اعلام دارد که ناآگاهی باور نکردنی باعث این اشتباه شده و هیچ نیم کاسه ای زیر این کاسه وجود ندارد.» ضمن تشکر از آقای کابلی، پیرامون نامه ایشان و محتویات آن ذکر چند توضیح را ضروری می دانم. البته برای ایشان جداگانه نیز نامه نوشته و توضیح داده ام.

۱- نامه مورد نقد ایشان در شماره ۱۳۹ نبرد خلق به تاریخ ۲۱ دسامبر ۱۹۹۶ چاپ شده است. نقد «پیام زن» در شماره ۴۸ این مجله به چاپ رسیده است. به علت بعضی مشکلات که مربوط به آدرس پستی ما بود، این شماره «پیام زن» را ما در آن زمان دریافت نکردیم و امکان دسترسی به آن از طریق اینترنت هم نداشتیم اما این نقد را اکنون از طریق آرشو «پیام زن» در اینترنت در اختیار داریم.

۲- پس از انتشار نامه و شعر بیرنگ کوهدامنی، نبرد خلق باز هم اشعار و نوشته های کوتاهی از بعضی خوانندگان افغانی خود، به خصوص بعضی خانمهای افغانی دریافت کرد که حاوی مطالبی در افشای بنیادگرایی اسلامی و بعضی موضع گیریهای سیاسی در رابطه با گروههای سیاسی که علیه بنیادگرایی مبارزه می کنند بود. در آن موقع برای ما این مسأله مطرح شد که نبرد خلق برای چاپ این اشعار و نامه ها و مطالب چه سیاستی باید اتخاذ کند در آن زمان ما به این نتیجه رسیدیم که به علت عدم اطلاع ما از مواضع گروهها و شخصیتهایی که برای رهایی مردم افغانستان از چنگال بنیادگرایی اسلامی مبارزه می کنند، از چاپ این گونه نامه ها، اشعار، اطلاعیه ها خودداری کنیم مگر آن که از مواضع آنان به طور دقیق اطلاع داشته باشیم. بر اساس این مواضع طبعاً چاپ نامه و شعر آقای بیرنگ کوهدامنی اشتباه بوده است. اگر نبرد خلق این موضع را در آن زمان اعلام می کرد، شاید برای آقای کابلی روشن می شد که هیچ کاسه ای زیر نیم کاسه نیست و ما بر اساس مواضع خود از مبارزه مردم افغانستان علیه بنیادگرایی اسلامی و برای دموکراسی و عدالت حمایت می کنیم.

زینت میرهاشمی

ارس

در شبکه جهانی اینترنت
<http://members.tripod.com/~ARAZ/index-1.html>
 نبرد خلق را مطالعه کنید.
 از اخبار ورزشی روز مطلع شوید.
 گفتگو و تبادل نظر زنده با دیگران

NABARD - E - KHALGH
 Organ of the
 Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas
 Executive Editor: Zinat Mirhashemi
 Published by :
 NABARD CULTURAL ASSOCIATION
No : 182 22, July . 2000

NABARD B.P. 20 91350 Grigny Cedex FRANCE ***	NABARD Postbus 593 6700 AN Wageningen HOLLAND ***
NABARD P.O Box 10400 London N7 7HX ENGLAND ***	NABARD Postfach 192091 50460 Köln GERMANY ***
NABARD P.O Box : 710631 Herndon, VA 20171 U.S.A ***	NABARD Casella Postale 307 65100 Pescara ITALIA ***

E.Mail:
nabard@club-internet.fr
nabard@hotmail.com

صفحه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
 در روی شبکه اینترنت
<http://www.fadaian.org>

نبرد خلق
ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
مدیر مسئول: زینت میرهاشمی
چاپ: انجمن فرهنگی نبرد
 نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم تقریبی اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با اعضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای تماس مستقیم با نبرد خلق و اشتراک آن - با آدرس زیر تماس بگیرید.

NABARD
B.P. 20
91350 GRIGNY CEDEX / FRANCE

Fax: USA : 1- 703 904 78 10
 Italia : 39 - 085 802 23 56

فرم اشتراک نبرد خلق
 Name :
 Address :

بهای اشتراک سالانه نبرد خلق
 اروپا ۷۵ فرانک فرانسه
 آمریکا و کانادا ۱۸ دلار آمریکا
 تک شماره ۷ فرانک فرانسه

حساب بانکی سازمان
 نام بانک : SOCIETE GENERALE
 آدرس بانک : BOULOGNE - S - SEINE
 FRANCE
 شماره حساب : 03760
 00050097851
 نام صاحب حساب : Mme. Talat R.T

در گوشه و کنار جهان

جمع‌پویه

سالهای گذشته با نوشتن رمانهایی همچون قلعه حیوانات جرج اورول به نوعی به سیستم کنترل و از بین رفتن زندگی خصوصی که صاحبان قدرت به آن دست اندازی می کنند به صورت تخیلی اعتراض می شد. اما امروز با توسل به تکنولوژی مدرن و در انحصار داشتن بخشهای بزرگی از آن توسط صاحبان قدرت این تخیل نیز به واقعیت پیوسته است. در یک گردهمایی که در شهر رم برگزار شد استفانو رودوتا مدیر بخش دولتی سازمان ضمانت و دفاع از زندگی خصوصی شهروندان گفت: یک میلیون دوربین مخفی مدار بسته مردم ایتالیا را زیر نظر دارند. او در حالی که به این شیوه اعتراض می کرد اضافه نمود این دوربینها در نقاط مختلف کشور کلیه حرکات و رفت و آمد مردم را زیر نظر دارند، که این تجاوز به حقوق شهروندی است. پلیس و سیستمهای اطلاعاتی تحت عنوان جلوگیری از وقوع جرم و شناسایی مجرمین این اجازه را به خود می دهند تا ابتدایی ترین حقوق انسانی مردم را لگدمال کرده و هر روز بیشتر خود را محق به کنترل مردم بدانند. اما دنباله گفتار استفانو رودوتا نیز شنیدنی است. او می گوید: فقط در ایستگاه مرکزی راه آهن شهر رم ۱۰۶ دوربین مخفی کار گذاشته شده. تنها در یک خیابان شهر میلان (کورسو سمپتونه) ۱۹ دوربین. در میدانی در شهر ناپل (پلبلیتو) ۱۰ دوربین و در سایر نقاط ایتالیا دوربینهای متعدد دیگری به دلایل مختلف. مردم را زیر نظر دارند. طبق تحقیقات موسسه او در مناطق مرکزی و اطراف آن در شهرهای رم، میلان، ناپل و ورونا. ۱۰۹۵ دوربین مدار بسته کار گذاشته شده که به وضوح قابل رؤیت است در حالی که تعداد دوربینهای پنهان از دید مردم معلوم نیست. در همین حال ماسیمو بروتی معاون وزیر کشور ایتالیا نیز گفت: مشخص نیست فیلمهایی که توسط این دوربینها ضبط می شود در دست چه کسانی قرار می گیرد. برای چه مقاصدی استفاده می شود. گزارش دیگری نیز می گوید در انگلیس یک میلیون دوربین مخفی (مدار بسته) و در واقع در ۱۰۰ هزار مکان انگلیسی یک دوربین وجود دارد که به عبارتی هر شهروند انگلیسی از زمانی که از منزل خارج می شود تا وقتی که باز می گردد در معرض فیلمبرداری به طور متوسط ۳۰۰ دوربین قرار می گیرد. تازه اینها جدای از شنود مکالمات تلفنی مردم و کنترل از راه اینترنت و وارد شدن به حافظه کامپیوترهای خانگی و دیگر موارد آن است.

اعتصاب کامیونداران ایتالیا

در روز اول تیر در یک اعتصاب گسترده در ایتالیا ۸ هزار کامیون در جاده ها و بزرگراههای این کشور متوقف شدند. کامیونداران ایتالیا مدت زمان این اعتصاب را یک هفته اعلام کردند و خواستار کاهش هزینه های جا به جایی کالا و اصلاح شبکه. و روش و ساماندهی امور حمل و نقل شدند. روزنامه های ایتالیا نوشتند این اعتصاب شامل کامیونهای توزیع ماهی.

گوست. سزیمجات می شود ولی شیر و نان از دایره این اعتصاب خارج خواهد بود. دولت ایتالیا بی درنگ تلاش برای متوقف ساختن اعتصاب کامیونداران را آغاز و اتریکومیکلی معاون نخست وزیر این کشور اعلام کرد که دولت لایحه ای را در راستای تحقق خواسته های اعتصابیون ارائه خواهد داد. اعتصابیون در بیانیه ای در باره نتایج اولین روز این اعتصاب اعلام کردند ۸۰ تا ۹۰ درصد کامیونداران ایتالیا به آنها پیوسته اند.

اعتصاب معلمهای اکوادور و گاز اشک آور در روز ۴ تیر. پلیس اکوادور برای متفرق کردن صدها معلم اعتصابی که در اعتراض به میزان دستمزدها به سوی کاخ دولت راهپیمایی می کردند. از گاز اشک آور استفاده کرد. به گزارش خبرنگاری رویتر از کیتو. اعتصاب این معلمان که در استخدام دولت هستند وارد ششمین هفته خود شده و باعث محروم شدن بیش از سه میلیون کودک از رفتن به مدرسه شده است. معلمان هم چنین تهدید به اعتصاب غذا کرده اند. رافائیل اراوزو رئیس ایالتی انفجار کپسول گاز اشک آور خونی شده بود به خبرنگاران گفت: ما برای دریافت فقط ۱۰۰ دلار مبارزه می کنیم در حالی که درآمد ماهیانه دیگران به ۴۰۰۰، ۸۰۰۰ و ۱۲۰۰۰ دلار می رسد اما دولت نمی خواهد حتی ۱۰۰ دلار ماهانه را برای معلمان بپذیرد. دستمزد معلمان اکوادور ماهانه ۵۰ تا ۶۰ دلار است. دولت افزایش تدریجی آن را پیشنهاد کرده است و دو طرف همچنان سرگرم مذاکره هستند.

شکست جهانی سازی در مهار فقر

۷ تیر ژنو - خبرگزاری فرانسه جهانی سازی در مهار فقر و بهبود شرایط کار شکست خورده است. خوان سوماویا. مدیر کل سازمان بین المللی کار این مطلب را در برابر دیگر مسئولان بلند پایه اجلاس اجتماعی سازمان ملل در ژنو کرده اعلام کرد. معتقد است که در این مورد دیگر تردید جایز نیست. او می گوید در طول ۵ سال گذشته یعنی از زمان امضا، ۱۰ تعهد کنفرانس کپنهاک. فقر افزایش یافته و شرایط کار نابسامانتر شده است. او می گوید: تردید در جهانی سازی دیگر جایز نیست. نتایج معلولند و نشان می دهند که این پدیده شکست خورده است و مسئولیت این شکست با آنهاست که قدرت عمل داشتند اما هیچ اقدامی نکردند. او اضافه می کند: منظور من محافل تجاری، دولتها و نظام بین المللی است که کمکان در مسیرهای موازی و ناهماهنگ حرکت می کنند. در این حال تنوین گوری رب نامیبیبی رئیس مجمع عمومی سازمان ملل می گوید: نتایج کپنهاک از سوی اشخاص و دولتهای مختلف نابرابر. مایوس کننده و فاجعه انگیز عنوان شده است. پل نیروپ راموسون نخست وزیر دانمارک نیز می گوید: ما به تعهدات خود عمل نکردیم، به چه دلیل این منابع اندک (به ویژه در آفریقا) نه جای توسعه به بودجه های

نظامی اختصاص یافته اند؟ چرا آسیا به جای پیوستن به معاهدات منع گسترش هسته ای و منع آزمایشهای هسته ای به مسابقه تسلیحاتی روی آورده است؟ به چه دلیل ثبات اقتصادی کلان آمریکایی لاتین اجازه مبارزه با نابرابریهای وحشتناک درآمدها را نداده است؟ پاسخ به این سؤاها آسان نیست. به خصوص وقتی که مجموع اعضای جامعه بین الملل اراده سیاسی واقعی از خود نشان نمی دهند. طبق گزارشهای مختلف سازمانهای بین المللی، ۳ میلیارد نفر در جهان با کمتر از ۲ دلار در روز زندگی می کنند که ۱۲ میلیارد نفرشان زیر یک دلار درآمد روزانه دارند. در این حال ۱۵۰ میلیون نفر بیکارند. ۸۰۰ میلیون نفر به سرویسهای بهداشتی دسترسی ندارند. ۲۳ میلیون نفر به ویروس ایدز آلوده و یا به این بیماری مبتلا هستند و ۸۵۰ میلیون نفر نیز بی سوادند.

در همین زمان بیش از شش هزار مخالف آثار منفی جهانی شدن اقتصاد و تجارت همزمان با برگزاری کنفرانس توسعه اجتماعی سازمان ملل در ژنو تظاهرات کردند.

انتخابات ریاست جمهوری در مکزیک

۱۳ تیر - خبرگزاری فرانسه مخالفان دست راستی در انتخابات ریاست جمهوری مکزیک به پیروزی رسیدند و به ۷۱ سال قدرت حزب حاکم بر این کشور پایان دادند. طبق نظر سنجی شبکه تلویزیونی تلویزا، ویسنته فوکس از حزب اقدام ملی موفق شده است با کسب ۴۴ درصد آرا بر فرانسیسکو لایاستیدا رقیب خود از حزب انقلابی نهادی که ۳۸ درصد آرا را به خود اختصاص داده است. پیروز شود. در این حال کواوئهتموک کاردوناس. کاندیدای چپ و شهردار سابق مکزیکوستی ۱۶ درصد آرا را به دست آورده است. انتخابات ریاست جمهوری مکزیک از آن جهت حائز اهمیت است که مردم مکزیک برای اولین بار طی ۷۱ سال گذشته می توانند انتخاب کنند. ویسنته فوکس رئیس سابق کوکاکولا در مکزیک و آمریکای مرکزی بود.

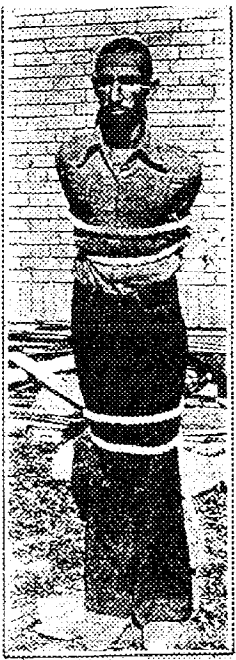
اعتصاب کارکنان بانکها در کره جنوبی

به گزارش خبرنگاریها در روز ۲۱ تیر هزاران تن از کارکنان بانکهای کره جنوبی در اعتراض به استمرار سیاستهای اقتصادی نامتناسب دولت دست از کار کشیدند. این اعتصاب در پی شکست گفت و گوهای اتحادیه کارگری بانکها و مقامهای دولتی در مورد تصمیم یک طرفه دولت برای ادغام بانکها انجام گرفته است. مقامهای بانکی گفتند برای پیشگیری از احتلال امور بانکی مردم اقدام به فراخواندن کارکنان بازنشسته کرده اند. رئیس جمهور کره جنوبی نوشبه گفت: استمرار اصلاحات در نظام بانکی یک انتخاب نیست بلکه برای بقا ضرورت دارد. کیم دای چونگ افزود: بانک جهانی و صندوق بین المللی پول هشدار داده اند کره جنوبی در صورت عدم انجام اصلاحات با بحران تازه ای مواجه خواهد شد.

شهدای فدایی مرداد ماه

رفقا: زین العابدین رشتچی - غلامرضا بانژاد حسین الهیاری - محمد صفاری آشتیانی - عباس جمشیدی رودباری - داریوش شفاثیان - عباسعلی شریفیان - قدرت الله شاهین سخن - فرزاد صیامی - عبدالکریم عبدا لله پور - فرامرز شریفی - فرخ سپهری - مهدی فضیلت کلام - مهدی یوسفی - حسن کهل - ابراهیم جلالی - فیروز صدیقی - ونداد ایمانی - گودرز همدانی - جهانبخش پایداری - جمیل اکبری آذر - جمشید پورقاسمی - مرتضی (امیر) فاطمی - محمدرسول عزیزیان - بیژن مجنون - هادی حسین زاده کرمانی - زهرا فرمانبردار - عظیم سرعتی - مسعود جعفرپور - فریدون شافعی - جواد کاشی - یوسف کیشی زاده - احمد زبیرم - سعید میرشکاری - هرمز گرجی بیانی - ابوالقاسم رشوند - سرداری. از سال ۵۰ تاکنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع به دست مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند. یادشان گرامی باد

در برابر تندر می ایستند خانه را روشن می کنند و می میرند



فدایی خلق. رفیق شهید علی (سعید) میرشکاری در سال ۵۸. در کرمان توسط مزدوران خمینی اعدام شد.